

## مسائل مربوط به مسؤلیت ناشی از بحران و جنگ خلیج [فارس] \*

بریثیت استرن  
BRIGITTE STERN

مترجم: دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی

---

\*. خانم استرن استاد دانشگاه پاریس ۱ (پانئون- سوربن) در فرانسه است. مشخصات مقاله از این قرار است:  
STERN "LES problemes de Responsabilite poses par la crise et la "guerre" "dugolfe" in Brigitte STERN [Sous la direction de], Les aspects juridiques de la crise et de la guerre du golfe,ed Montchretien,paris,1991,pp.329-373.

لازم به ذکر است که:

- ۱- مبحث نخست این مقاله قبلاً به قلم آقای یوسف ذکایی آشتیانی ترجمه شده است. ترجمه ایشان، بمنظور یکنواخت کردن کل متن برگردان، مورد بازبینی و ویرایش کامل قرار گرفت؛
- ۲- نویسنده در این مقاله از خلیج فارس تحت عنوان خلیج یاد کرده است لیکن ما، با توجه به حقایق موجود تاریخی، «فارس» را در داخل قلاب (کروشه) به آن افزودیم؛
- ۳- مقاله حاضر در واقع مکتوب سخنانی خانم استرن در مرکز تحقیقات حقوق بین‌الملل دانشگاه نانتر (پاریس ۱۰) است.م.

بحران و مسؤلیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۱۷

## طرح نوشتار

اشاره

مقدمه

مبحث نخست. مسؤولیت کیفری

گفتارنخست. تاریخچه مسؤولیت کیفری

بین المللی

الف. دوره بعد از جنگ اول جهانی

ب. دوره بین دو جنگ جهانی

ج. دوره بعد از جنگ دوم جهانی

۱- سیستم دادگاه نورمبرگ

۲- ۱- جرایم (جنايات) علیه صلح

۲- تحولات بعدی

۱- ۲- تدوین و تنظیم قانون (کد)

۲- ۲- دادگاه کیفری بین المللی

گفتار دوم. حقوق بین الملل موضوعه در

باب مسؤولیت کیفری بین الملل

الف. وضعیت کنونی حقوق موضوعه

۱- اصول حقوق بین الملل پذیرفته شده

در اساسنامه دادگاه بین الملل نورمبرگ

و دادنامه صادره از آن دادگاه، ۱۹۵۰

۲۰۹.....

۲- کنوانسیون های ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹

و پروتکل های الحاقی ۸ ژوئن ۱۹۷۷ آن

۲۱۸ ❖ مجله حقوقی / شماره بیستم

۳-کنواسیون پیشگیری و مجازات جرم  
کشتارجمعی (ژنوسید)، ۱۹۵۱.

۴- جرایم در حقوق بین‌الملل و جرایم  
بین‌المللی

ب. حقوق موضوعه و وقایع خلیج [فارس]

۱- توصیف جرایم

۲- راه‌های ممکن شکایات

### مبحث دوم. ترمیم خسارات

گفتارنخست : اندیشه مسؤلیت ناشی از  
ایجاد خطر [مسؤلیت عینی]، خاستگاه  
اقدام بعضی دولتها در جبران خسارات است  
الف. مداخله شورای امنیت و کمیته ضمانت  
های اجرا

ب. اقدام دولتها و سازمانهای بین‌المللی  
گفتار دوم. ترمیم خسارات، مبتنی است  
براندیشه مسؤلیت ناشی از ارتکاب عمل  
نامشروع

الف. سوابق

۱- «ترمیم» به معنای واقعی

۲- ترمیم خسارات

۱-۲- مرجع (ارگان) داورى خاص دولتها

۲-۲- مرجع داورى خاص دولتها و

افراد

بحران و مسؤلیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۱۹

ب. ترمیم خسارات در قطعنامه ۶۸۷

- ۱- دامنه و نحوه ترمیم خسارات
- ۱-۱- استرداد [ اموال ] و جبران خسارت
- ۱-۲- قلمرو ترمیم
- ۱-۲-۱- خسارات مسلم وعدم النفع
- ۱-۲-۲- خسارات مستقیم
- ۲- مکانیسم عملی ساختن مسؤولیت

عراق

- ۲-۱- صندوق جبران و ترمیم خسارات [پرداخت غرامت]
- ۲-۲- کمیسیون
- ۳- آیینهای عملی ساختن مسؤولیت

عراق

- ۴- مسائل حل نشده

**مبحث سوم. مسؤولیت های تاریخی**  
**گفتار نخست: زمان گذشته: مسؤولیتها در**  
**ایجاد بحران**

الف. مسؤولیتهای دور

ب. مسؤولیتهای نزدیک تر

**گفتار دوم. زمان حاضر: مسؤولیتها در به**

**اجرا گذاشتن واکنشهای بین المللی**

الف. مسؤولیتها در به اجرا گذاشتن

تحریم و محاصره

ب.مسؤولیتها در اعمال ضمانت اجراهای  
نظامی  
گفتار سوم. زمان آینده: مسؤولیتها در  
تدارک و ایجاد جهانی صلح جویانه‌تر و  
عادلانه‌تر

## اشاره

با توجه به تاریخ چاپ مقاله حاضر (۱۹۹۱)، لازم است که به تحولات اخیرتصمیم‌ها و اقدامهای سازمان ملل متحد در عملی ساختن مسؤولیت عراق به لحاظ ایجاد بحران خلیج فارس از طریق اشغال کویت اشاره شود. کمیسیون جبران خسارات سازمان ملل متحد که بنابر قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت، وظیفه عملی ساختن وارده به دولتها و اشخاص را به عهده دارد اخیراً تشکیل شده است شورای امنیت در قطعنامه ۷۰۵ خود، سهم کمک عراق به صندوق (حساب) مربوط به غرامت را ۳۰٪ بهای صادرات نفتی این کشور تعیین کرده بود. لیکن عراق، به علت نظارتهای دقیقی که سازمان ملل متحد باید در این مورد اعمال می‌کرد، از فروش نفت خود امتناع ورزید. ابتدا در يك اقدام غیرمنتظره و عجیب، کویت، به عنوان قرض، مبلغ دو میلیون دلار و ایالات متحده امریکا، از محل دارایی‌های توفیقی عراق، مبلغ هفده میلیون دلار به این

حساب واریز کردند. اما امروزه با توجه به اجرای قطعنامه ۷۰۶ شورای امنیت مشهور به معامله «نفت درمقابل غذا»،<sup>۱</sup> عراق قاعده‌تاً باید مبالغی را برای این حساب پرداخت کند. با توجه به تعدادی بی‌شمار دعاوی، هیأت مدیره کمیسیون جبران خسارات سازمان ملل متحد اقدام به دسته‌بندی آنها از طریق تنظیم فرمهای ویژه برای دولتها یا اشخاص مدعی دریافت خسارت کرده است:

فرم الف: دعاوی افراد دائر براین که بدون مقدمه ناچار به ترك كويت يا عراق شده‌اند؛

فرم ب: دعاوی افراد به لحاظ تحمل صدمات شدید جسمانی یا فوت؛

فرم ج: دعاوی افراد به لحاظ تحمل خسارات مادی کمتر از صدهزار دلار،

فرم د: دعاوی افراد به لحاظ تحمل خسارات مادیه بیش از صدهزار دلار،

فرم هـ - دعاوی شرکتهای؛

فرم و: دعاوی دولتها یا سازمانهای بین‌المللی.

---

1 . Oil-for-food deal/Petrole contre nourriture.

رسیدگی به دعاوی افراد که موضوع  
۲،۸۰۰،۰۰۰ پرونده را تشکیل می‌دهد در  
اولویت قرار داده شده است و همان طور که  
در مقررات مربوط پیش‌بینی شده است،  
تعدادی کارگزار (کمیسر) برای انجام این  
مهم در هیأت مدیره تعیین و منصوب  
شده‌اند. شاید ارزیابی فعالیتهای این  
نهاد بی سابقه هنوز زود باشد. مسلماً در  
آن زمان که این کمیسیون به کلیه دعاوی  
رسیدگی کند، نتیجه کار خود معلوم خواهد  
بود.

مترجم



## مقدمه

مسائل مربوط به مسؤولیت ناشی از بحران و جنگ خلیج [فارس] دارای اشکال مختلف است، بنحوی که طرح، معرفی و تحلیل کامل آنها در اینجا ادعایی بیش نخواهد بود. با این حال سعی خواهیم کرد که کلیه مسائل مطرح شده و مسائلی را که ممکن است مطرح شود - تا آنجا که ضبط و ربط عملی آنها امکان داشته باشد - احصا و مورد بررسی قرار دهیم.

در حقوق بین‌الملل نیز مانند حقوق داخلی مسؤولیت را می‌توان به کیفی و مدنی یعنی تنبیهی یا جبرانی تقسیم کرد بنابراین باید موضوع را از این دو جنبه اصلی تحت بررسی قرار داد: یعنی از يك سوء وجود و عملی ساختن احتمالی مسؤولیت کیفی بین‌المللی و از سوی دیگر، مسأله جبران خسارات مختلف ناشی

از حوادث خلیج [فارس] که پس از دوم اوت ۱۹۹۰ به وقوع پیوسته است. اما این بدان معنی نخواهد بود که خواسته باشیم مطالعه خود را در چنین مسأله مهم و دشواری که مسؤولیت در بحران و «جنگ» خلیج [فارس] است صرفاً به مسائل فنی حقوقی محدود کنیم، و به همین علت در نتیجه گیری، موضوعی را که می‌توان «مسؤولیتهای تاریخی» نامید، نیز به اختصار مطالعه خواهیم کرد.

## مبحث ۱

### مسؤولیت کیفری

اندیشه طرح مسؤولیت عراق یا زمامداران عراقی در محافل مختلف عنوان گردیده است: به عنوان مثال دوازده کشور عضو بازار مشترک اروپا در اعلامیه مورخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۱، یا بوسیله گروهی از روشنفکران، همچون آقای الی ویزل،<sup>۲</sup> یا بوسیله کمیسیون امور خارجه سنای امریکا

---

۲. رك. مقاله «يك دادگاه بين الملل براي صدام»، روزنامه لیبراسیون ۲۹ آوریل ۱۹۹۱.

که در ۱۸ آوریل ۱۹۹۱ لایحه قانونی را از تصویب گذراند و به موجب آن از رئیس جمهور امریکا خواست تا از سازمان ملل متحد تقاضا نماید صدام حسین را برای محاکمه به يك دادگاه کیفری بین‌المللی فرا بخواند. البته این راه حل در قطعنامه ۶۸۷ مورد استفاده قرار نگرفته است، زیرا در يك سیاست واقع بینانه معلوم نبود چگونه می‌توان صدام حسین را وادار کرد، در همان حالی که روند حوادث به وی اجازه می‌داد در کشور خود برسر قدرت باقی بماند، خود را به چنین دادگاهی معرفی کند. اصولاً مسؤلیت کیفری مفهومی است که به علت معلوم حاکمیت دولتی به سختی در قلمرو حقوق بین‌الملل راه می‌یابد. بمنظور مقابله با این ایراد که بنابر آن يك دولت، به عنوان يك واحد موجود، نمی‌تواند دارای قصد مجرمانه باشد، ابتدا مفهوم مسؤلیت کیفری به اعتبار افرادی که می‌توان آنها را مسؤل شناخت، اعم از مأمور دولت یا غیرآن، توسعه یافته است. با این حال امروزه دیگر نمی‌توان اندیشه مسؤلیت

ناشي از ارتكاب جرم بوسيله دولت را خارج از مسائل حقوق بين‌الملل دانست.

### گفتار نخست

#### تاريخچه مسؤليت كيفرى بين‌المللى

مسؤليت كيفرى بين‌المللى افراد، هنگام پيدائش آن در سده بيستم، عمدتاً در قلمرو حقوق به مخاصمات مسلحانه مطرح بوده، ولي امروزه مسأله در قلمروهاي ديگر مربوط به حقوق بشر، همچون كشتار دسته جمعي، تبعيض نژادي يا صدمات به محيط زيست، مورد توجه قرار گرفته است.

#### الف - دوره بعد از جنگ اول جهاني

معاهده ورساي، در ماده ۲۷۷ خود يكي از موارد اوليه مسؤليت كيفرى شخصي يك رئيس دولت را كه بايد از نظر بين‌المللى به اجرا گذاشته مي‌شود، پايه گذاري مي نمايد. بر اين اساس، علاوه برمسؤليت دولت آلمان متحدين آن در قبال خسارات وارده به دول متفق بر اثر جنگ (موضوع

ماده ۲۳۱)، در ماده ۲۲۷ این معاهده پیش بینی شده است که گییوم دوم، قیصر آلمان،<sup>۳</sup> می بایست به اتهام تجاوز آشکار به حریم اخلاق بین‌المللی و زائل نمودن اعتبار معنوی معاهدات محاکمه گردد.<sup>۴</sup>

اگر چه این ماده بعلت مخالفت کشور هلند با استرداد گییوم دوم به مرحله اجرا در نیامد لیکن سابقه‌ای که از این طریق بوجود آمد از یک طرف، زمینه‌ای برای از سرگیری قضیه بعد از جنگ جهانی

---

### 3. Kaiser Guillaume II de Hohenzollern.

۴. در اینجا به جاست که متن کامل ماده ۲۲۷ را منعکس نماییم:

«دولتهای متحد و متفق تصمیم دارند گییوم دوم، امپراتور سابق آلمان، را به اتهام تجاوز آشکار به اصول اخلاق بین‌المللی و اعتبار معنوی معاهدات مورد محاکمه عمومی قرار دهند. یک دادگاه ویژه، با تضمین حقوق مربوط به دفاع، برای محاکمه متهم و قضاوت درباره وی تشکیل خواهد شد. این دادگاه از ترکیب چهار دادرس به وجود می آید که بوسیله هریک از چهار دولت زیر برگزیده خواهند شد: ایالات متحده آمریکا، بریتانیای کبیر، فرانسه و ایتالیا.

دادگاه براساس جهانی که از مهمترین اصول سیاسی رایج بین ملت‌های جهان سرچشمه یافته اند، با اعتقاد به لزوم رعایت تشریفات رسمی و احترام به تکالیف و تعهدات و اصول اخلاق بین‌المللی قضاوت خواهد نمود. تشخیص نوع مجازاتی که باید در باره متهم اعمال گردد با دادگاه مزبور خواهد بود. دولتهای متحد و متفق از دولت هلند خواهند خواست که امپراتور سابق را در اختیار آنان قرار دهد تا مورد محاکمه قرار گیرد.

بحران و مسؤولیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۲۹

دوم به وجود آورد و از طرف دیگر، مشکلی را که در جهت طرح مسؤلیت کیفری فردی در حقوق بین‌الملل وجود داشت، آشکار ساخت، بویژه در آن هنگام که فرد مزبور مستقیماً در توقیف دولت یا دولتهایی که می‌خواهند این مسؤلیت را محقق سازند نباشد.

#### ب - دوره بین دو جنگ جهانی

در فاصله بین جنگ‌های اول و دوم جهانی فعالیت علمی وسیعی در جهت پیشبرد مسأله مربوط به مسؤلیت کیفری بین‌المللی صورت گرفته است. بدین ترتیب، طرح‌های مختلف، مبنی بر پیش‌بینی تأسیس یک شعبه کیفری در دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی<sup>۵</sup> و نیز پیشنهاد ایجاد صلاحیت دیوان در رسیدگی به جرایم ارتكابی دولتها، و صلاحیت یک شعبه از آن به جرایم بین‌المللی افراد،<sup>۶</sup> و حتی تدوین و تنظیم یک قانون (کد) جزای جهانی<sup>۷</sup> ارائه

۵. رك. پیش نویس ۱۹۲۶ انجمن حقوق بین‌الملل و پیش نویس

۱۹۲۸ انجمن بین‌المللی حقوق جزا.

۶. رك. قطعنامه اتحادیه بین‌المجالس، ۱۹۲۵.

۷. متن این کد را و سپاسین پلا در سال ۱۹۳۵ تنظیم و

انشاء کرده است. رك: مجله بین‌المللی حقوقی جزا، ۱۹۳۵،

ص ۳۴۸

گردیده است. این کوشش‌ها سرانجام به تنظیم کنوانسیون ۱۶ نوامبر ۱۹۳۷ جهت ایجاد يك دادگاه كيفري بين المللي انجاميد.<sup>۸</sup> ليكن اين کنوانسیون (اساسنامه ديوان) هرگز به تصويب نرسيد.

### ج - دوره بعد از جنگ دوم جهاني

#### ۱- سيستم دادگاه نورمبرگ

نص اساسي در مورد مسؤوليّت كيفري بين المللي، موافقتنامه ۸ اوت ۱۹۴۵ است كه در لندن بين نمايندگان ايالات متحده، انگلستان، اتحاد جماهير شوروي و فرانسه آزاد به امضا رسيد. اين موافقتنامه مربوط ميشد به تعقيب و مجازات مجرمين بزرگ جنگي، كه تبعه قدرتهاي اروپايي محور، يعني آلمان و ايتاليا، بودند. متن مزبور با اعلاميه يك جانبه ژنرال مك آرتور<sup>۹</sup> تكميل گرديد كه شامل همان مقررات موافقتنامه در مورد مجرمين بزرگ جنگي تبعه ژاپن بود.

---

8. Historique...op.cit., p.94,annexe 8.

9. Mac Arthur.

این دو متن، مبنای تشکیل دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو به شمار می‌روند که صلاحیت قضاوت در مورد جنایتکاران عمده جنگ را دارا بودند. علاوه بر این محاکم، دادگاه‌های بین‌المللی دیگری بر مبنای موافقتنامه لندن و بموجب قانون شماره ۱۰ شورای نظارت متحدین تأسیس گردید که مأموریت آنها رسیدگی به اتهامات بزهکاران رده پایین‌تر بود.

اما تعریف جرایمی که باید در این محاکم مورد تعقیب قرار گیرد چیست؟ در ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورمبرگ و ماده ۵ اساسنامه دادگاه توکیو سه نوع عنوان مجرمانه (جرایم) مشخص پیش‌بینی شده است: جرایم (جنایات) علیه بشریت.

#### ۱-۱- جرایم (جنایات) علیه صلح

جنایات علیه صلح با: « (...) هدایت، طرح ریزی، افروختن شعله جنگ، یا ادامه هر جنگ تجاوزکارانه یا جنگ ناشی از نقض معاهدات، تضمینات یا موافقتنامه‌های بین‌المللی، یا شرکت



درتبانی یا توطئه برای انجام یکی از این اعمال تحقق خواهد یافت».

این نوع برداشت از مفهوم «جنايات عليه صلح» از همان آغاز پیدایش این مفهوم در حقوق موضوعه بحث دامنه داری را موجب شد: از نظر هیأت نمایندگی فرانسه در جریان مذاکرات مربوط به «موافقتنامه لندن»، این موافقتنامه مقوله حقوقی جدیدی از جرایم را پیش بینی نموده که در صورت انطباق آن نسبت به اعمال ارتكابي واقع شده در حین جنگ جهانی دوم مسائل مربوط به «عطف به ماسبق شدن» مقررات جدیدی را به میان می‌آورد. درست است که معاهده بریان-کلوگ قبلاً جنگ را غیرقانونی اعلام کرده بود و لیکن آن را مجرمانه تلقی نکرد. به نظر دادگاه نورمبرگ پیدایش مفهوم جنایت برضد صلح نتیجه اعمال خودسرانه قدرت بوسیله ملل فاتح جنگ نیست...، بلکه ترجمان حقوق بین‌الملل موجود بین‌الملل است (دادنامه دادگاه نظامی بین‌المللی نورمبرگ صفحه ۳۸). بنابراین انطباق این مفهوم برجنایتکاران جنگی نازی به هیچ وجه به مسأله «عطف به ماسبق شدن» مربوط

نمی شود و به نظر دادگاه، اصل قانونمند بودن جرایم را نقض نمی‌کند.

## ۲-۱- جرایم (جنایات) جنگی و جرایم (جنایات) علیه بشریت

- جنایات جنگی عبارتند از: «نقض قوانین و مقررات عرفی جنگ نظیر قتل و خونریزی، بدرفتاری با افراد غیر نظامی مناطق اشغالی یا تبعید آنان بمنظور انجام کارهای اجباری یا برای هر منظور دیگر، قتل زندانیان جنگی یا اشخاص در دریا یا سوء رفتار با آنان، کشتن اسرا، غارت اموال عمومی یا دارایی افراد، تخریب شهرها یا دهکده ها و هر نوع ویرانگری خارج از ضرورتهای نظامی».

این تعریف با وجود کلیت و وسعت عبارات به کار رفته نمی‌توانست تمام فروض را در برگیرد؛ زیرا تعریف مزبور فقط ناظر بر جنایات ارتكابی بین دشمنان بود. در واقع برخی جرایم، هر قدر هم که مفهوم جنایت جنگی را بتوان وسیع فرض نمود، نمی‌توانستند در این طبقه قرار گیرند؛ مانند جنایاتی که مرتکبین و قربانیان آنها دارای ملیت واحد بودند

یا آنکه قربانیان جرم دارای تابعیت یکی از کشورهای متفق با کشور متبوع مرتکب جرم بودند. در این مورد می‌توان پاره‌ای از جنایات نازیها را در نظر گرفت که علیه اتباع آلمانی، اطیش، اشخاص فاقد تابعیت و یا عیله اشخاص دیگر براساس ملاحظات نژادی، مذهبی، سیاسی و غیره ارتکاب یافته است.<sup>۱۰</sup> به همین علت وصف مجرمانه جدیدی، یعنی جنایت علیه بشریت، به این جنایات افزوده شد.

- جنایت علیه بشریت را ب این صورت تعریف نموده اند: «قتل، نابودی، انقیاد به بردگی، تبعید یا هر عمل غیر انسانی دیگر علیه افراد غیر نظامی و اذیت و آزار آنان به علل سیاسی- نژادی یا مذهبی، هنگامی که این اعمال یا آزارها در پی یک جنایت جنگی یا جنایات علیه صلح و یا در رابطه با این جرایم، واقع شده باشند». باید تأکید کرد که در نظام نورمبرگ، جنایات علیه بشریت خارج از ارتباطشان با جنایات جنگی وجود نداشته است؛ یعنی این که «خصومت (جنگ)

---

10. Doudou Thiam, 7 eme rapport A/CN4/419,p.11-12.

و بزهکاری بطور سخت با هم مرتبط بوده و ملازمت داشته اند».<sup>۱۱</sup>

این اعمال یعنی جنایات علیه صلح، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، در هر حال مسؤولیت مرتکب را به همراه دارد: چنانچه عمل از مأمور دولت سرزده باشد دستور واصله اصولاً مرتکب را از مسؤولیت معاف نمی‌سازد؛ همچنین اگر مربوط به رئیس دولت باشد وی نمی‌تواند از هیچ گونه مصونیتی برخوردار گردد و این مقام او را از مسؤولیت کیفری بین‌المللی مبری نخواهد ساخت. چنانکه در ماده ۷ منشور دادگاه نورمبرگ تصریح گردیده است: «وضعیت ناشی از مقام رسمی متهم اعم از آنکه عنوان رئیس دولت را داشته یا از صاحب منصبان عالی رتبه باشد موجب معافیت یا تخفیف مجازات نخواهد شد». به دلیلی که چندان روشن نیست، ماده ۶ اساسنامه دادگاه بین‌المللی توکیو در این باره دارای قابلیت انعطاف بیشتری است و اختیار وسیعی را از لحاظ ارزیابی مسؤولیت مرتکب به دادگاه واگذار می‌نماید.

---

11. 2 eme rapport de Doudou Thiam, annexe CDI 1984, vol.11.1ere partie, p. 94, § 9.

برمبنای مقررات پیش بینی شده در این ماده «نه موقعیت و مقام رسمی متهم، در هر زمان که باشد، و نه این وضعیت که متهم بر طبق دستور حکومت کشور متبوع خود یا دستور يك مقام مافوق عمل نموده است بخودي خود درقبال هر جنایتي که بدان متهم باشد، برای رفع مسؤولیت وي کافی نخواهد بود. لیکن این اوضاع و احوال در صورتی که عدالت اقتضا نماید می تواند همچون کیفیات مخفیه در حکم دادگاه مورد توجه قرار گیرد».

## ۲- تحولات بعدي

انتقادات اصلي که بر آراء دادگاه نورمبرگ وارد گردیده بر این محور قرار دارد که آراء مزبور از يك سوء قاعده و اصل قانوني بودن جرایم را نقض نموده و از سوي دیگر، این آرا توسط يك دادگاه اختصاصي<sup>۱۲</sup> صادر شده است. برای آنکه بتوان در آینده از این انتقاد مضاعف پرهیز نمود، دو جنبش، بطور موازي، تلاشها و فعالیتهای خود را آغاز

---

۱۲. Jridiction ad hoc، منظور دادگاهی است که برای رسیدگی به مسأله ای خاص تشکیل گردیده و حالت موقت دارد. م.

نمود: یکی در جهت اعلام اصول حاکم بر توصیف جرایم (جرم انگاری) و دیگری بمنظور ایجاد یک دستگاه قضایی با ثبات.

#### ۱-۲- تدوین و تنظیم (کد) ۱۳

از ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه شماره (I) ۹۵ به اتفاق آراء، « اصول حقوق بین‌الملل مندرج در اساسنامه و حکم دادگاه نورمبرگ را مورد تأیید و تصدیق قرار داد» و به دنبال آن، با قطعنامه شماره (I) ۱۷۷، ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ (دقیقاً همان روز تأسیس کمیسیون حقوق بین‌الملل با قطعنامه شماره (I) ۱۷۴) خواهان آن شد که اصول شناخته شده بوسیله دادگاه نورمبرگ صراحتاً تنظیم و یک قانون (کد) جنایات علیه صلح و امنیت بشری تهیه و تنظیم گردد.<sup>۱۴</sup>

---

#### 13. Codification.

۱۴. اصطلاح «جنایت علیه صلح و امنیت بشری» برای اولین بار در گزارش آقای فرانسیس بیدل (قاضی) به نرومن، رئیس جمهور وقت آمریکا. (۹ نوامبر ۱۹۴۶) به کار برده شده و ضمن آن تقاضا گردیده است که با تدوین حقوق جزا (در قالب یک کد- قانون) اصول نورمبرگ مورد تأیید قرارگیرد.

از اصطلاح «جنایات علیه صلح و امنیت بشري» چنین تعبیر به عمل آمده است که نظر مجمع عمومی اصولاً متضمن سه مقوله از جرایم یعنی جرایم علیه صلح، جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت، بوده است.

با آنکه کمیسیون حقوق بین‌الملل در دومین اجلاس خود موفق گردید «اصول حقوق بین‌الملل را که در اساسنامه دادگاه نورمبرگ و در حکم این دادگاه به رسمیت شناخته شده بود انشا و تنظیم نماید»،<sup>۱۰</sup> همچنان به کوشش خود جهت تهیه و تنظیم کد مورد پیش‌بینی ادامه می‌دهد.

در اینجا چند مرحله می‌توان یاد کرد: کمیسیون حقوق بین‌الملل از ۱۹۵۴ طرح مربوط به قانون مورد نظر خود را به مجمع عمومی سازمان ملل متحد عرضه نمود، ولی این مجمع بررسی طرح مزبور را تا روشن شدن تعریف «تجاوز» که یکی از جرایم اصلی حقوق بین‌الملل، و مورد توجه در قانون است به تأخیر انداخت. می‌توان متذکر شد که در پیش‌نویس ۱۹۵۴ قانون (کد) اصطلاح «جنایت علیه بشریت» به کار نرفته است، لیکن مفهوم این جرم

---

15. Doc. Off. de l'AG., 5 eme session, suppl. N 12(A/13/6,p.12).

در پیش نویس وارد شده، چنانکه می‌توان آن را بطور ضمنی در اصطلاح کشتار جمعی و بطور صریح در اعمال غیر انسانی بازیافت.<sup>۱۶</sup> بعلاوه در پیش نویس ۱۹۵۴، مفهوم «جنایت علیه بشریت» از جرایم جنگی تفکیک گردیده است و در نتیجه این جرم می‌تواند در زمان صلح نیز تحقق یابد.

پس از آنکه «تجاوز» در قطعنامه (XXIX) ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۷۴ تعریف گردید، کمیسیون حقوق بین‌الملل در ۱۹۷۷ ضمن اعلام آمادگی خود برای سرگیری بررسی از مجمع عمومی تقاضا نمود تا بازبینی پیش نویس ۱۹۵۴ را از سر بگیرد. در ۱۹۸۱ مجمع عمومی با این درخواست موافقت نمود و در ۱۹۸۲ آقای دودو تیام<sup>۱۷</sup> را بعنوان گزارشگر ویژه در نظر گرفت.

آقای دودو تیام از همان آغاز مأموریت خویش اعلام نمود که مطالعات کمیسیون به جرایم ارتكابي توسط افراد محدود خواهد بود. از آن تاریخ به بعد،

---

۱۶. رك: ماده ۲ پاراگراف های ۱۰ و ۱۱.

17. Doudou Thiam.



يك گزارش در هر حال سال تهیه شده است. اولین گزارش در ۱۹۸۳ و آخرین آن یعنی نهمین گزارش در ۸ فوریه ۱۹۹۱ تهیه شده است.<sup>۱۸</sup>

مفهوم مسؤولیت کیفری بین‌المللی حتی اگر، فقط به افراد محدود گردد با وسعتی که پیدا کرده به هر صورت بطور غیر مستقیم به دولت نیز مربوط می‌شود، زیرا در جرایم مورد بحث منظور از افراد غالباً کسانی هستند که دولت را اداره و رهبری می‌کنند.

بطور یقین نظریه مسؤولیت کیفری بین‌المللی پاسخگویی یکی از اهداف اساسی حقوق بین‌الملل است، چنانکه در گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در رابطه با پیش‌نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری این معنی را بخوبی می‌توان دریافت:

«باید در نظر گرفت که هدف، بخصوص جلوگیری از دیوانگی‌ها و اختلالات و بی

---

۱۸. برای اطلاعات بیشتر راجع به پیش‌نویس جرایم علیه صلح و امنیت بشری رك: نجفی ابرند آبادی (ع ج) و خزانی (م)، «درآمدی برپیش‌نویس قانون بین‌الملل جزا»، مجله حقوقی، شماره ۱۹-۱۸، ۷۴-۱۳۷۳، ص ۲۳۹ و بعد. م.

Doc.A/CN4/425 avec un additif du 15 mars 1991, doc. A/CN4/435/Add.1, et un rectificatif du 6 mai 1991. Doc.A/CN4/435 et Add. 1, Corr.1;

نظمي هايي است كه اعمال قدرت مي تواند باعث آن گردد و آنچه بايد از آن پيشگيري شود، جنايات و اعمال خود كامه كساني است كه براي تخريب و نابودي، كه بشريت امروز را تهديد مي نمايد، امكانات فوق العاده اي در اختيار دارند. با آنكه در مسأله جنايت عليه صلح و امنيت بشري تابع حقوق فرد انساني است. ليكن هرگز نبايد از نظر دور نمود كه منظور از فرد در اينجا اساساً مقام دولتي است».<sup>۱۹</sup>

#### ۲-۲- دادگاه كيفري بين المللي

پيشرفت در اين زمينه نسبت به مسأله تهيه و تنظيم قانون (كد) بازم با كندي بيشتر صورت گرفته است. مجمع عمومي سازمان ملل متحد با تصويب قطعنامه شماره (۷) ۴۸۹ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۵۰ كميته اي را مأمور نمود تا پيش نويس مربوط به دادگاه كيفري بين المللي را تهيه و پيش نهاد نمايد. در ۱۹۵۴ مجمع عمومي، همانطوري كه در مورد قانون (كد)

---

19. 3 eme Rapport de Doudou Thiam, A/CN.4/387, p.7.

عمل نموده بود، آغاز فعالیت مربوط به تهیه این پیش نویس را نیز موکول به تعریف «تجاوز» کرد. اما این فعالیت حتی پس از روشن شدن تعریف «تجاوز» دیگر بطور مستقل جریان نیافت. ظاهراً مسأله به تازگی همزمان با هشتمین گزارش آقای دودوتیام ۱۹۹۰ در برنامه کار کمیسیون قرارگرفته است.

این نکته روشن است که بدون پیشرفت در زمینه حاضر، کوششهای معمول در جهت تدوین قانون (کد) بیهوده خواهد ماند. ژرژسل<sup>۲۰</sup> در دومین اجلاس کمیسیون حقوق بین‌الملل در ۱۹۵۰، ضمن بحث درباره اصول نورمبرگ، ضرورت این امر را یادآور شده بود:

«اگر نتوان چنین مرجعی را به وجود آورد، از تعریف اصول نورمبرگ چه نتیجه ای حاصل خواهد شد (...)? (...). در بادی امر ایجاد يك تشکیلات بین‌المللی فرصت آن را به دست خواهد داد که روزی يك دیوان واقعی دادگستری بین‌المللی استقرار یابد که شایستگی به جرایم کلیه مجرمان جنگی را،

---

20 . Georges Scelle.

به هر طرف که وابسته باشند داشته  
باشد».<sup>۲۱</sup>

پلا،<sup>۲۲</sup> حقوقدان معروف، که در زمینه حقوق  
جزای بین‌الملل بسیار فعال بوده است نیز  
در همین جهت فکری حرکت کرده است:  
« از يك ربع قرن به این طرف، ما همواره  
اعلام کرده ایم که تهیه و تنظیم يك قانون  
جزای بین‌المللی و خودداری از ایجاد يك  
دادگاه صالح برای اعمال آن، به منزله وضع  
قواعد حقوق بین‌الملل با این اندیشه است  
که اعمال آنها تابعی از منابع متغیر  
سلاحها است و نه تابعی از ارگان و عناصر  
ثابتی که عبارت است از وجود قبلی و دائم  
يك مرجع دادگستری بین‌المللی».<sup>۲۳</sup>

## گفتار دوم

---

21. A/CN/SR 43,p.13.

22. Pella.

۲۳. برای اطلاعات بیشتر راجع به دادگاه کیفری  
بین‌المللی و تحولات اخیر آن رک. بیگ زاده -  
(دکترابراهیم)، «سازمان ملل متحد و محاکم کیفری بین  
المللی: تئوری و عمل» مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸  
(شماره ویژه). م.

Pella, "La codification du droit Penal international". Revue generale de droit international public,  
paris, t. LVI,1952,p.415;

حقوق بین‌الملل موضوعه  
در باب مسؤولیت کیفری بین‌المللی

الف. وضعیت کنونی حقوق موضوعه

۱- اصول حقوق بین‌الملل پذیرفته شده  
در اساسنامه دادگاه بین‌المللی نورمبرگ و  
دادنامه صادره از آن دادگاه ۱۹۵۰

با در نظر گرفتن این امر که قانون  
(کدی) درباره جرایم علیه صلح و امنیت  
بشری وجود ندارد، چنین به نظر می‌رسد که  
محدوده حقوق بین‌الملل موضوعه عام  
براساس برداشتی شکل می‌گیرد که توسط  
کمیسیون حقوق بین‌الملل در ۱۹۵۰ از اصول  
نورمبرگ به عمل آمده است. این اصول  
عبارتند از:

اصل اول: هرکس مرتکب عملی گردد که  
در حقوق بین‌الملل جرم محسوب می‌شود از  
این جهت مسؤول و مستحق مجازات خواهد  
بود؛

اصل دوم: عدم مجازات هر عمل که در  
حقوق داخلی جرم نیست اما از نظر حقوق  
بین‌الملل جرم محسوب می‌گردد موجب رفع  
مسؤولیت در حقوق بین‌الملل، از کسی که  
مرتکب آن عمل شده است نخواهد گردید؛

بحران و مسؤولیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۴۵

**اصل سوم:** این که مباشر عملی که در حقوق بین‌الملل جرم شناخته شده است، در مقام رئیس کشور یا دولت اقدام کرده باشد، موجب رفع مسؤولیت از وی در حقوق بین‌الملل نخواهد گردید؛

**اصل چهارم:** این که مرتکب به دستور دولت متبوع خود و یا به امر مقام مافوق اقدام نموده است، چنانچه از لحاظ روانی اختیار انتخاب از وی سلب نشده باشد، موجب رفع مسؤولیت از او در حقوق بین‌الملل نخواهد گردید.

**اصل پنجم:** هرکس متهم به ارتکاب جرمی از حقوق بین‌الملل گردد، حق برخورداری از محاکمه منصفانه را خواهد داشت، چه در ارتباط با عمل انتسابی و چه در رابطه با مقررات حاکم؛

**اصل ششم:** جرایم ذیل بعنوان جرایم حقوق بین‌الملل قابل مجازات خواهند بود:

#### **الف) جنایات علیه صلح**

- طرح ریزی، تهیه مقدمات، شروع و ادامه یک جنگ تهاجمی یا جنگی که در مقام نقض تعهدات، موافقتنامه‌ها و تضمینات بین‌المللی آغاز گردد؛

- شرکت در يك طرح هماهنگ يا در يك توطئه براي اجراي هريك از اعمال مذکور در بند فوق.

### **ب) جنایات جنگي**

نقض قوانین و عرف جنگ نظیر قتل و خونريزي، بدرفتاري با افراد غيرنظامي مناطق اشغالي يا تبعید آنان براي انجام کارهاي اجباري يا براي هر هدف ديگر، قتل زندانيان جنگي يا اشخاص در روي دريا يا سوء رفتار با آنان، کشتن اسرا، غارت اموال عمومي يا دارايي افراد، تخریب تبهکارانه شهرها يا دهکده ها و به طور كلي هرگونه ویرانگري که ضرورتهای آن را توجيه نميکند.

### **ج) جنایات عليه بشریت**

قتل، نابودي، انقياد به بردگي، تبعید يا هر عمل غير انساني ديگر افراد غير نظامي و يا شکنجه و آزار آنان تحت انگیزه هاي سياسي، نژادي يا مذهبي هنگامي که اين اعمال يا آزارها متعاقب يك جنایات جنگي يا جنایت عليه صلح و يا در رابطه با اين جرايم واقع شده باشند.

بحران و مسؤولیت در جنگ خليج [فارس] ❖ ۲۴۷

**اصل هفتم:** معاونت در هريك از جرايم  
برضد صلح يا جنايات جنگي و يا جرايم  
عليه بشریت، بشرحي كه در اصل ششم از  
آنها تعريف به عمل آمده است، در حقوق  
بين الملل جرم محسوب مي شود.

به علاوه، به موازات كوششهاي مختلف  
كه در جهت تهيه قانون جرايم عليه صلح و  
امنيت بشري، و تأسيس يك دادگاه كيفري  
بين المللي بمنظور اعمال آن قانون به  
عمل آمده است، تعدادي كنوانسيون تصويب  
شده است كه به پاره اي جرايم خاص حقوق  
بين الملل مي پردازد و نحوه و كيفيت  
ضمانت اجراها را نيز پيش بيني مي كند.  
اگر چه ذكر كلييه كنوانسيون هاي مزبور  
در اينجا مشكل است، ليكن اهم متوني را  
كه در قلمرو موضوع مورد بحث از معنای  
بيشترى برخوردارند نقل مي كنيم.

۲- كنوانسيون هاي ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و پروتكل  
هاي الحاقی ۸ ژوئن ۱۹۷۷ آن  
يادآور شويم كه چهار كنوانسيون  
ژنو، هم زمان، يك مسؤوليّت كيفري براي  
افراد و يك مسؤوليّت مدني براي دولتها  
پيش بيني مي نمايند.



در آنچه مربوط به مسؤولیت کیفری است، صلاحیت جهانی نسبت به تعقیب و مجازات جرایم مهم علیه مقررات آن مورد تأیید قرار گرفته است.<sup>۲۴</sup> توضیح اینکه هر تجاوزی نسبت به متون این کنوانسیون ها

---

۲۴. ماده مشترک در چهار کنوانسیون (ماده ۴۹ کنوانسیون اول؛ ماده ۵۰ کنوانسیون ۲؛ ماده ۱۲۹ کنوانسیون ۳ و ماده ۱۴۶ کنوانسیون) مقرر می دارد: «طرفهای کنوانسیون تعهد می نمایند که هر گونه تمهید قانونی لازم را جهت تعیین مجازاتهای متناسب علیه اشخاصی که مرتکب یکی از جرایم مورد بحث در ماده بعدی گردیدن یا دستور ارتکاب آن را صادر نموده باشند، به عمل آورند.

هریک از طرفهای کنوانسیون ملزم خواهد بود اشخاصی را که متهم به ارتکاب یکی از این جرایم بوده یا دستور ارتکاب آن را صادر نموده باشند، بدون توجه به ملیت آنان، مورد جستجو قرار داده در دادگاههای کشور خود تحت پیگیری قرار دهد. کشور جستجو کننده همچنین خواهد توانست بنا به شرایط پیش بینی شده در قوانین کشور خود، آنان را به یکی دیگر از اطراف کنوانسیون که مایل به تعقیب متهم باشد جهت محاکمه تحویل دهد، به شرط آنکه این طرف امکانات کافی را برای محاکمه اشخاص مورد بحث دارا باشد.

جرم شدید در چهار رکنوانسیون مورد بحث، در قالب یک ماده مشترک و مشابه از نظر محتوا (ماده ۵۰ کنوانسیون ۱، ماده ۵۱ کنوانسیون ۲، ماده ۱۳۰ کنوانسیون ۳ و ماده ۱۴۷ کنوانسیون ۴) بدین شرح تعریف شده است: « جرایم شدید مورد اشاره در ماده قبل جرایمی هستند که در نتیجه ارتکاب یکی از اعمال زیر، علیه اشخاص یا اموال مورد حمایت در کنوانسیون، تحقق یافته باشند: قتل عمدی، شکنجه یا رفتار غیر انسانی از قبیل آزمایشهای زیست شناختی، ایجاد عمدی آسیبهای شدید یا صدمات مهم به تمامیت جسمانی و سلامتی اشخاص، تخریب و تملک اموال، خارج از نیازهای نظامی، در سطح وسیع و بطور نامشروع و خودکامانه».

**بحران و مسؤولیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۴۹**

«جنايات» محسوب نمی‌شود، بلکه فقط برخي نقض هاي شديد مقررات مزبور به عنوان جنايت توصيف گرديده اند. وقتي که جرمي از اين قبيل ارتكاب يابد، قاعده «مجازات يا استرداد» اعمال خواهد شد. در پروتکلهاي الحاق نيز ه مين ترتيب پذيرفته شده است.

### ۳- کنوانسيون پيشگيري و مجازات جرم کشتار جمعي (ژنوسيد)، ۱۹۵۱

اين کنوانسيون در ۱۲ ژانويه ۱۹۵۱ لازم الاجرا گرديده است.<sup>۲۵</sup> در حقيقت مجمع عمومي سازمان ملل متحد از ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ ژنوسيد را «جرم حقوق ملل»<sup>۲۶</sup> توصيف نموده است (قطعنامه شماره ۱-۹۶) کنوانسيون ۱۹۵۱ نيز همين انديشه را

---

۲۵. اين کنوانسيون را تعداد زيادي از کشورها پذيرفته و تصويب کرده اند: براي مثال، کشور فرانسه در تاريخ ۱۴ اکتبر ۱۹۵۴ آن را تصويب نموده و کشور عراق در ۲۰ ژانويه ۱۹۵۹ به آن ملحق است. بالاخره دولت انگليس در ۳۰ ژانويه ۱۹۷۰ بدان پيوسته و کويت کنوانسيون مورد بحث را تصويب ننموده است.

۲۶. Un Crime du droit des gens. امروزه «حقوق بين الملل» جاي اصطلاح «حقوق ملل» را گرفته است. البته هرگاه اين اصطلاح را به کار برده اند مراد يادآوري مقام بشر در جامعه بين الملل بوده است. بشردر حال حاضر تابع بالواسطه يا منفعل حقوق بين الملل است. م.

برگزیده در ماده اول خود اعلام می‌دارد: «طرفهای کنوانسیون تأیید می‌نمایند که ژنوسید، اعم از آنکه در زمان صلح یا در زمان جنگ واقع شود، «جرم حقوق ملل» محسوب می‌گردد، لذا پیشگیری و مجازات آن را تعهد می‌نمایند».

در این رابطه می‌توان به ماده ۲ رجوع نمود که مقرر می‌دارد: «ژنوسید عبارت است از ارتکاب هر یک از اعمال زیربا قصد نابودی مطلق یا نسبی هرگروه ملی، قومی نژادی یا مذهبی بدین شرح:

(الف) قتل اعضای گروه؛

(ب) صدمه عمده علیه تمامیت جسمانی یا روانی اعضای گروه؛

(ج) انقیاد عمدی ادامه حیات یک گروه به شرایطی که منجر به نابودی جسمانی مطلق یا نسبی آن گروه شود؛

(د) اتخاذ تدابیر خاص بمنظور جلوگیری از توالد در گروه؛

(ه) جا به جا نمودن قهری کودکان یک گروه به گروه دیگر.

بطور خلاصه می‌توان گفت امروزه، در حقوق موضوعه، جرایم حقوق بین‌الملل عبارتند از نقض اصول نورمبرگ، نقض عمده

مقررات کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷ آن، همچنین نقض مقررات برخی از کنوانسیون های بین المللی از قبیل کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم کشتار جمعی.

#### ۴- جرایم در حقوق بین الملل و جرایم بین المللی

به يك مشكل در اینجا باید اشاره کرد و آن اینکه به موازات تلاش انجام شده برای تعریف يك تعداد جرایم در حقوق بین الملل، یعنی جرایمی که مبتنی هستند بر مسؤولیت کیفری بین المللی مرتکب (اعم از آنکه به تشکیلات دولتی یا شخص اول و رئیس دولت و یا به تبعه ساده يك دولت نسبت داده شوند)، کوششهای دیگری بمنظور تعریف جرایم بین المللی قابل انتساب به دولتها به عمل آمده است. این جرایم، با توجه به میزان کنونی پیشرفت کارهای کمیسیون حقوق بین الملل، ممکن است نتایجی را در سطح بین المللی به وجود آورند که از محدوده الزام به جبران خسارات حاصله، فراتر برود: ماده ۱۹ مشهور پیش نویس کنوانسیون مربوط به

مسئولیت دولتها، از جمله جرایم اخیرالذکر، تجاوز،<sup>۲۷</sup> تبعیض نژادی، ژنوسید و صدمه عمده به محیط زیست را نام می برد. بنابر این مسأله مربوط خواهد شد به تجاوز مهم و جدی علیه صلح، علیه حق ملتها در تعیین سرنوشت خود، علیه حقوق بشر و بالاخره برضد محیط زیست که میراث مشترک بشریت محسوب می شود. مشکل اینجاست که عنوان این دو دسته جرم اغلب مشابه یکدیگر است.<sup>۲۸</sup> در حالی که دارای نتایج متفاوتی هستند. جرایم بین المللی به هر دولتی اجازه می دهد مسئولیت دولتی را که این جرایم به آن نسبت داده می شود مطرح کند و به جریان اندازد. به نظر ما، علی رغم عدم صراحت کافی مباحثات و مذاکرات کمیسیون حقوق بین الملل در این باره، بایستی مسأله را بیشتر مربوط به مسئولیت بین المللی در قبال همه (erga omnes) دانست تا به

---

27. Cf., Nguyen Quoc Dinh et al., Droit international public, 1987, p.573:

۲۸. می توان در اینجا متذکر شد که پروتکل ژنو راجع به حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی مورخ ۲ اکتبر ۱۹۲۴، برای اولین بار «تجاوز» را به عنوان یک جرم بین المللی توصیف کرده است، ولی این پروتکل مورد تصویب قرار نگرفته است.

مسؤولیت کیفری؛<sup>۲۹</sup> زیرا مسؤولیت از نوع  
اخیر در حقوق موضوعه کنونی محدود به  
افراد می‌گردد.

### ب. حقوق موضوعه و وقایع خلیج [ فارس ]

از آنجا که جامعه بین‌المللی سازمان  
یافته مکانیسمی مشابه با آنچه  
دادگاههای نورمبرگ و توکیو بعد از جنگ  
دوم جهانی ملک کار خود قرار دادند،  
ابداع و مستقر نکرده است، این سؤال  
برای ما مطرح است که جرایمی که توسط یک  
دادگاه بین‌المللی احتمالی قابل مجازات  
باشند کدامند و آیا علاوه بر وجود یک  
دادگاه کیفری بین‌المللی، مراجعی دیگر  
جهت رسیدگی به این نوع جرایم وجود  
دارند؟

### ۱- توصیف جرایم

۲۹. در این مورد رک:

B. Stern, Conclusions generales, La responsabilite dans le systeme international, Colloque S.F.D.I.1990,p.319,et en particulier, p. 332.pour un avis contraire,voir Pierre- Marie Dupuy,Action Publique et crim international de l'Etat,A.F.D.I.1979,p.539:

«جرم موجب ایجاد مسؤولیت کیفری در حقوق بین‌الملل  
عمومی می‌شود».

❖ ۲۵۴ / مجله حقوقی / شماره بیستم

اصول نورمبرگ که در سال ۱۹۵۰ مورد تأیید قرارگرفت سه مقوله بزرگ جرایم علیه صلح، جنگی و جرایم علیه بشریت را مورد توجه قرار داده است.

حال باید دید [در جریان حوادث و وقایع خلیج فارس] چنین جرایمی به وقوع پیوسته اند؟ آیا جنایت علیه صلح افتاده است؟ طرح این سؤال یعنی ارائه پاسخ به آن: در این نکته تردید نیست که با تجاوز به کویت، عراق در ارتکاب جرم علیه صلح مقصر است. آیا در خلال این حوادث جنایت جنگی به وقوع پیوسته است؟ این امر محرز است که درگیری (مخاصمه) مسلحانه زمینه ارتکاب جنایات جنگی را احتمالاً از ناحیه هردو طرف فراهم نموده است: چنانکه می‌دانیم غارت اموال عمومی و خصوصی از جمله جنایات جنگی به شمار می‌رود و چنین اعمالی در کویت اتفاق افتاده است. «تخریب و انهدام که ضرورت عملیات نظامی آن را توجیه نمی‌کند» نیز در همین ردیف قرار داده شده است و از این نظر نمی‌توان بمباران سنگین جاده کویت به عراق را بوسیله نیروهای متفق در زمان عقب نشینی ارتش عراق، نادیده

بحران و مسئولیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۵۵

گرفت. این سؤال مطرح می‌شود که آیا واقعاً اقدامات نظامی چنین بمباران‌هایی را اقتضا می‌نموده است؟

برای آنکه بتوان جنایات جنگی را که در خلال حوادث خلیج فارس به وقوع پیوسته است به تفصیل برشمرد، باید به بررسی رفتار کلیه عاملین این وقایع پرداخت.

یادآوری کنیم که جرایم جنگی مورد پیش‌بینی در اصول نورمبرگ در کنوانسیون ژنو نیز تصریح شده است، مخصوصاً کنوانسیون سوم راجع به رفتار با زندانیان جنگی و کنوانسیون چهارم در باره حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ. گذشته از این، اگر چه پروتکل‌های الحاقی فی‌نفسه به موضوعات جنگی مربوط نمی‌شوند، مع ذلك برخی از مقررات آنها متضمن قواعدی هستند که در حد قواعد عرفی قابل اجرا شناخته شده‌اند.

اقدامهای ارتش عراق در کوییت از تاریخ دوم اوت ۱۹۹۰ را بطور قطع بایستی در ردیف جنایات جنگی توصیف نمود (بند ب از ماده ۶ اصول نورمبرگ ماده ۱۴۰ چهارمین کنوانسیون ژنو- ماده ۷۵ پروتکل اول). آنچه در این میان بخصوص مورد نظر



است، کشتار غیر نظامیان یا رفتارهای غیر انسانی با آنان در لحظه حمله به کویت توسط ارتش عراق و نیز عملیات غارت یا تخریب اموال آنان و مسأله گروگانگیری اتباع کشورهای غربی و استفاده از آنان به عنوان سپر محافظت از خود بوسیله این ارتش است.

بدینسان، مسؤولیت عراق به لحاظ ارتکاب جرایم شدید علیه مقررات چهارمین کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از غیر نظامیان و نیز مسؤولیت افرادی که مرتکب این جرایم گردیده یا فرمان ارتکاب آنها را صادر نموده‌اند در بند ۱۳ قطعنامه ۶۷۰ و قطعنامه ۶۷۴ تصریح گردیده است:

همچنین نحوه رفتار صدام حسین با زندانیان جنگی را می‌توان جنایت جنگی به شمار آورد (بند ۶ از ماده ۶ اصول نورمبرگ، ماده ۱۳۰ کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۷۵ پروتکل اول). از آن جمله است رفتار غیر انسانی با زندانیان جنگی کشورهای متفق، خصوصاً هنگام نمایش تحقیر آمیز آنان در تلویزیون.<sup>۳۰</sup>

---

۳۰. اگرچه عراق، طرف پروتکل مورد بحث نیست، لیکن پاره ای از مقررات آن را می‌توان در ردیف قواعد عرفی به شمار آورد. در این مورد ر.ک.

سرانجام وارد نمودن صدمه به محیط زیست بویژه آلوده کردن نفتی دریا و مهمتر از آن به آتش کشیدن چاههای نفت بدون تردید جرم بین‌المللی محسوب خواهد شد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که عمل اخیر را براساس کدام مبنای حقوقی باید جرم تلقی کرد؟ ماده ۳۵ پروتکل اول که در ماده ۵۵ تکرار گردیده مقرر می‌دارد: «به کار بستن طرق یا وسایل جنگی که معمولاً سبب ایجاد خسارات وسیع، دایمی و شدید نسبت به محیط زیست طبیعی می‌گردند ممنوع است». اما از آنجا که این ماده از جمله اولین گامهایی است که لطمه وارد آوردن به محیط زیست را به عنوان یک جرم در حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار داده است، نمی‌توان به آن به عنوان یک قاعده عرفی قابل اعمال در باره بحران مورد بحث نگریست. با این حال چنین به نظر می‌رسد که بتوان وارد ساختن صدمه به محیط زیست

---

Les développements de L. Condorelli dans cet ouvrage. Pour un avis contraire voir Eric David, La guerre du Golfe au regard du droit des conflits armes et du droit penal international, in La guerre du Golfe et le droit international, centre de Droit international, U.L.B 1991,p. 102; ou encore Alain Daeme et Olivier paye,La guerre sale, les regles du droit international applicables a la protection de l'environnement, id.p. 115 et not.p.119 .Mais ces auteurs nuancent quelque peu leurs propos en ce qui concerne des dispositions du protocole I, en particulier les articles 35 et55.

را در این مورد به عنوان جرم بین‌المللی توصیف نمود؛ زیرا بدون شك چنین عملی را نمی‌توان از ضروریات و لوازمات جنگ دانست.<sup>۳۱</sup>

صدمات وارده به محیط زیست که در چارچوب جنگ خلیج [فارس] ایجاد گردید، شاید اولین جنایت علیه محیط زیست به شمار آید. بدین مناسب است که وزرای محیط زیست کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۳۲</sup> و یوگسلاوی رها کردن عمده مقدار زیادی نفت خام را بوسیله عراق در خلیج [فارس] که سبب ایجاد سفره سیاه بسیار وسیعی شده بود چنین توصیف نموده‌اند: «این جنایت علیه محیط زیست، تمام اکوسیستم خلیج [فارس] و نیز تهیه آب آشامیدنی میلیون‌ها سکنه منطقه را تهدید می‌نماید».<sup>۳۳</sup>

به همین ترتیب، کلیه اعمال ارتكابي توسط هر يك از دو طرف متخاصم را که نمی‌توانست در حد ضرورت عملیات نظامی قابل

---

۳۱. در این مورد رك نوشتار آقای پل فوتو در همین [که مقاله خانم استرن نیز در آن چاپ شده است].

32. Organisation de Cooperation et de Developpement Economiques (L.O.C.D.E.)

۳۳. اعلامیه وزیران محیط زیست در باره وضعیت زیست محیطی در خلیج [فارس]، ۳۰ ژانویه ۱۹۹۱.

توجیه باشد (پرتاب موشک به طرف اسرائیل و یا بمباران عراق پس از پایان خصومت) باید جنایت جنگی توصیف نمود.

اما آخرین نکته قابل ذکر در این مبحث آن است که وقتی حملات آگاهانه و عمدتاً بسوی ابنیه، آثار و مراکز فرهنگی و هنری که سرمایه معنوی و فرهنگی بشریت را تشکیل می‌دهد، هدایت شوند این عمل نیز برطبق بند ۴ ماده ۸۶ پروتکل اول ۱۹۷۷ از جمله جرایم شدید به شمار خواهد آمد، مشروط برآنکه این مراکز در فاصله نزدیکی از هدفهای نظامی قرار نگرفته باشند. با فرض آنکه در اینجا مسأله را بتوان به یک قاعده عرفی مربوط دانست، نکته‌ای که جای بحث در آن باقی خواهد ماند این است که آیا اساساً نقض مفاد این ماده مصداق یافته است؟ علی‌رغم وجود چنین مکانهایی در عراق نظیر اور و بابل به نظر نمی‌رسد جرایمی از این نوع به وقوع پیوسته باشد.

بالاخره آیا در جریان حوادث خلیج فارس جنایت علیه بشریت به وقوع پیوسته است؟ با توجه به تعریفی که از جنایات علیه بشریت به عمل آمده است، بطور قطع

می‌توان رفتار صدام حسین را در قبال کردها و شیعیان جنوب عراق با این دسته از جرایم منطبق دانست. این رفتار مجرمانه که موجب صدمات عظیم بر تمامیت جسمی و روحی افراد دو گروه قومی و مذهبی یعنی کردها و شیعیان گردیده است یقیناً از مصادیق کنوانسیون پیشگیری و مجازات کشتار جمعی است.

اما آیا مصداق چنین جرمی را نمی‌توان در خود کویت یافت آنجا که اذیت و آزار فلسطینی‌ها به عنوان یک گروه که به قصد نابودی مطلق یا نسبی آنان صورت می‌گرفت، محقق دانست؟

سرانجام باید مسأله معاونت را در تمام این جرایم مورد بررسی قرار داد، زیرا اصل هفتم از اصول نورمبرگ اعلام می‌دارد که معاونت در جرم علیه صلح، در جنایات جنگی و یا در جنایت علیه بشریت خود جرم حقوق بین‌الملل به شمار خواهد آمد.

در میان اعمالی که معاونت در جرم محسوب می‌گردد، کلیه عملیات مادی کمک‌رسانی، همکاری و تهیه وسایل را باید

نام برد.<sup>۳۴</sup> چگونه می‌توان، از این نظر، ارسال نام‌معمول ادوات نظامی پیچیده و انبوه به عراق را در طی سال‌های متمادی جنگ، توسط کشورهای غربی، بویژه فرانسه، و کشورهای بلوک شرق تحلیل نمود؟

## ۲- راه‌های ممکن شکایت

این نکته روشن است که همزمان با اعلام اصول نورمبرگ وسیله کمیسیون حقوق بین‌الملل، مسأله تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به موارد نقض این قواعد پیشنهاد شده بود. آیا در فقدان این دادگاه، موارد نقض مقرراتی که مبنای ایجاد جرایم حقوق بین‌الملل است، محکوم به این خواهند بود که فاقد ضمانت اجرا باقی بمانند؟

چنانچه به کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های مربوطه که همراه با اصول نورمبرگ منبع اصلی قواعد عمومی را در این موضوع تشکیل می‌دهند مراجعه نماییم، خواهیم دید که نقض شدید مقررات مزبور، مسؤولیت کیفری شخصی زمانداران عراقی و کلیه کسانی را که مرتکب جرایم مورد بحث

---

34. Voir 8 eme rapport de Doudou Thiam, A/CN.4/435.

شده اند (بویژه نیروهای مسلح)، و مسؤلیت مدنی دولت عراق را موجب خواهد شد.

ضمانت اجرای مسؤلیت کیفری این افراد بر طبق متون مورد بحث به دولتهای ملی محول شده است، بنحوی که هر یک از آنها ملزم است شخصی را که مرتکب یکی از این جنایات گردیده و در دسترس حوزه قضایی آن دولت باشد مجازات یا مسترد نماید. مع ذلك به نظر می‌رسد که این صلاحیت بین‌المللی در زمینه جنایات جنگی که بوسیله کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی پیش‌بینی گردیده است، بیشتر یک راه حل نظری باشد، مگر اینکه صدام حسین تصمیم به مسافرت بگیرد!

و اما اگر به کنوانسیون ژنو درباره منع کشتار جمعی مراجعه نماییم جنبه کیفری آن به اعتبار قویتر اما به اعتبار دیگر نامساعدتر به نظر می‌رسد. در حقیقت چگونه بزه ژنوسید مجازات می‌شود؟ کنوانسیون در این زمینه راه چندانی را طی ننموده است. البته، مسؤلیت مرتکبین این عمل در ماده ۴ پیش‌بینی شده است. چنانکه این ماده تصریح

بحران و مسؤلیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۶۲

می‌دارد: «مرتکبین ژنوسید اعم از آنکه دولتها یا صاحب منصبان آنها و یا افراد عادی باشند مجازات خواهند گردید». اما در مقام بررسی طرق اجرایی این ماده با محدودیت بسیار مواجه خواهیم بود و غالباً در مسأله مسؤولیت بین‌المللی مشکل همان ضمانت اجرای قضیه است. ماده ۶ صلاحیت متغیر مراجع قضایی ملی یا دادگاه کیفری بین‌المللی را پیش‌بینی می‌نماید: «اشخاص متهم به ارتکاب ژنوسید یا هریک از اعمال پیش‌بینی شده در ماده ۳ به دادگاههای ذیصلاح کشوری که عمل انتسابی در قلمرو آن واقع گردیده، و یا به دادگاه کیفری بین‌المللی تسلیم خواهند گردید. صلاحیت دادگاه اخیر نسبت به طرفهای امضاء کننده کنوانسیون که مرجع قضایی پیش‌بینی شده را نیز به رسمیت بشناسند معتبر خواهد بود».

بطوری که ملاحظه می‌کنیم این ماده حتی قائل به وجود یک صلاحیت قضایی بین‌المللی برای تعقیب و مجازات ژنوسید نبوده، بلکه به همان اصل کلاسیک صلاحیت



سرزمینی دادگاههای کیفری، به معنای اخص آن، مراجعه کرده است.

در وضعیت کنونی حقوق بین‌الملل، ارتکاب جرم ژنوسید موجب مسؤولیت مستقیم مرتکب در مقابل دادگاههای کشوری که عمل مجرمانه در قلمرو آن ارتکاب یافته است خواهد شد. چنانچه عمل در حوزه صلاحیت قضایی کشور متبوع مرتکب واقع شده باشد، مثلاً وقتی که ژنوسید تحت نفوذ مستقیم رئیس یک دولت تحقق یابد نامبرده بایستی اصولاً نسبت به جرم ارتكابی در مقابل دادگاههای کشور خود پاسخگو باشد.

مع ذلك با دقت نظر در مندرجات ماده ۹ می‌توان دریافت که نوعی مسؤولیت دولت (کیفری یا غیر آن) در مقابل دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد ژنوسید، بخصوص نسبت به عدم اجرای تکلیف محوله بموجب ماده ۶ مبني بر مجازات این جرم، قابل تصور است. زیرا ماده ۹ مقرر می‌دارد:

«اختلافات حاصله بین طرفهای امضا کننده در موارد تفسیر، اعمال یا اجرای کنوانسیون حاضر از جمله اختلافات مربوط به مسؤولیت یک دولت در

موضوع ژنوسید یا هر يك از ساير اعمال  
مذكور در ماده ۳، بنا به درخواست يكي  
از طرفين اختلاف در ديوان بين‌المللي  
دادگستري مورد رسيدگي قرار خواهد  
گرفت».

به عبارت ديگر، در مسأله ژنوسید  
ممکن است بتوان مسؤوليت دولتي را که از  
مجازات مرتکب ژنوسید خودداری می نماید  
در مقابل ديوان بين‌المللي دادگستري  
مطرح نمود.<sup>۳۵</sup>

با توجه به اینکه دولت عراق  
کنوانسيون مورد بحث را تصویب نموده  
است، از لحاظ نظري مسؤوليت آن دولت به  
لحاظ خودداری از محاکمه صدام حسين،  
بوسیله هر يك از اعضاي امضا کننده  
کنوانسيون که به اين طريق از حقوق خود  
مبني بر لزوم احترام به قواعد حقوق  
بين‌الملل دفاع خواهد نمود، قابل طرح  
است. به عبارت صحيح تر، حق هر يك از

---

۳۵. پارلمان اروپا در تاريخ ۱۸ آوريل ۱۹۹۱ از دوازده  
کشور عضو خواسته است که به تعهد خود در مورد لزوم  
تعقيب کشور عراق در مقابل بين‌المللي دادگستري عمل  
نمایند.

Le Monde 20 avril 1991.

اعضای تصویب کننده کنوانسیون خواهد بود که از اصل احترام به اصولی که خود در پیدایش و تصویب آن شرکت داشته است، محافظت نماید.

بالاخره شاید بتوان قائل به وجود يك دادگاه افکار عمومی گردید، نقشی را که دادگاه راسل در موضوع جنگ ویتنام و یا دادگاه دایمی ملتها در موضوع جنگ و اشغال افغانستان برعهده گرفتند: رسیدگی، در مقابل افکار عمومی جهانی، به جنایاتی که برخی کشورها با استفاده از قواعد حقوق بین الملل مرتکب شده اند.<sup>۳۶</sup>

## مبحث ۲

### ترمیم خسارات

---

۳۶. ناگفته نماند که در ماه اکتبر ۱۹۹۰ گروهی از حقوقدانان عرب پیشنهاد کرده بودند که آقای ژرژ بوش در مقابل چنین دادگاهی به اتهام ارتکاب جنایت علیه بشریت محاکمه گردد. روزنامه لیبراسیون ۱۸ اکتبر ۱۹۹۰.

بحران و مسئولیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۶۷

مسؤولیت بین‌المللی بطور سنتی به عنوان تکلیف جبران خسارات ناشی از عمل نامشروع تحلیل می‌شده است. از سوی دیگر، می‌دانیم که با توسعه همبستگی بین‌المللی، تکالیفی مبنی بر جبران خسارات به وجود آمده‌اند که اساسی حقوقی غیر از عمل نامشروع دارند و بدین ترتیب مواردی وجود دارد که در آن ترمیم خسارتهای ناشی از ارتکاب اعمال مشروع زیانبار مورد قبول واقع شده است؛ لیکن امروزه اصل مسؤولیت ناشی از ایجاد خطر [مسؤولیت عینی] تعمیم نیافته است؛ این اصل بجز یک دسته قواعد قراردادی که ایجاد کرده است، فقط در حد اصل ترغیب به پرداخت خسارات با حسن نیت نقش ایفا می‌کند.

### گفتار نخست

اندیشه مسؤولیت ناشی از

ایجاد خطر [مسؤولیت عینی] خاستگاه اقدام بعضی

دولتها در جبران خسارات است.

الف. مداخله شورای امنیت و کمیته

ضمانتهای اجرا

۲۶۸ ❖ مجله حقوقی / شماره بیستم

تحریمی که شورای امنیت در قالب قطعنامه‌های مختلف<sup>۳۷</sup> برقرار کرده است، بر اوضاع و احوال دولتهای دیگر، به تناسب قوت یا ضعف آنها یا فاصله جغرافیایی و یا گستردگی روابط اقتصادی آنها، بصورتهای مختلفی اثر گذاشته است. این وضعیت غیر منتظره یا خاص وضعیت خلیج [فارس] نبوده است؛ زیرا نویسندگان منشور سازمان ملل متحد آن را پیش بینی کرده و به لحاظ ماده ۵۰ را که مفاد آن به شرح زیر است در فصل هفتم آن درج نموده‌اند:

«هرگاه شورای امنیت اقداماتی احتیاطی یا قهری بر ضد کشوری معمول دارد، هر کشور دیگر که خود را مواجه با مشکلات اقتصادی خاص ناشی از اجرای آن اقدامات بیابد، اعم از این که عضو ملل متحد باشد یا نه، حق خواهد داشت در مورد حل آن مشکلات با شورای امنیت مشورت نماید».

---

۳۷. قطعنامه ۶۶۱ مورخ ۶ اوت ۱۹۹۰ که تحریم را برقرار کرده است، قطعنامه ۶۶۵ مورخ ۲۵ اوت ۱۹۹۰ که تحریم را به محاصره تبدیل کرده است، قطعنامه ۶۷۰ مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۰ که تحریم هوایی را نیز برقرار کرده است.

با توجه به این تعدادی از دولتها اعلام کردند که مایلند به این ماده استناد کنند، شورای امنیت در قطعنامه ۶۶۹ مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۰ خود کمیته ضمانتهای اجرا را که در همان آغاز بحران، به موجب قطعنامه ۶۶۱ مورخ ۶ اوت ۱۹۹۰ بمنظور نظارت بر اجرای تحریم، ایجاد شده بود مأمور بررسی تقاضای کمک کرد که در چارچوب ماده ۵۰ انشا و مطرح شده بودند.

در پایان سال ۱۹۹۰ بیست و یک دولت، اجرای ماده ۵۰ منشور را تقاضا کرده بودند. سه گروه از کشورها به کمیته ضمانتهای اجرا متوسل شدند: بعضی کشورهای در حال توسعه، بعضی کشورهای اروپای خاوری و بعضی از کشورهای منطقه خلیج [فارس]. همه این کشورها، علاوه بر مشکلات ناشی از اجرای تحریم، مسائل مهمی که این مشکلات را حل ناشدنی مینماید، مطرح کردند.

کشورهای بلوک شرق سابق مسأله فرایند گذار به دموکراسی و اقتصاد

بازار را در مورد خود مطرح نمودند.<sup>۳۸</sup> آن دسته از کشورهای در حال توسعه که به ماده ۵۰ استناد کردند، مشکلات اقتصادی خاص خود را از قبیل برنامه تجدید ساختار اقتصادی (تونس، ۲۱/۲۲ S/، ص ۲۱)، تلاشهای معمول برای توسعه که ممکن است متوقف شود (هند. همان، ص ۳۵)، زمین لرزه و قحطی (فیلیپین، همان، صص ۶۱ و ۶۲) را مطرح نمودند.

بالاخره پیامد های منفی برای کشورهای خلیج [فارس] بطور خاصی محسوس بوده است؛ در ردیف اول، اردن یقیناً بیش از هر کشور دیگری از وقایع آسیب و زیان دیده است؛ به همین جهت کمیته ابتدا مورد این کشور را تحت بررسی قرار داد (سند S/21620). لبنان نیز با استناد به «شرایط بسیار بی ثبات ناشی از پانزده سال اغتشاش در کشور» به کمیته رجوع کرد (سند S/22021، ص ۵۵).

---

۳۸. در این مورد به عنوان مثال رك: به نامه مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۹۰ رئیس کمیته شورای امنیت - که به موجب قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) ایجاد شده است- خطا ب به رئیس شورای امنیت در مورد وضعیت عراق و کویت سند S/22021، ب لغارستان ص ۶، رومانی ص ۳۰، یوگسلاوی، ص ۴۷.

ماده ۵۰ در مورد دامنه اختیارات شورای امنیت، زمانی که مورد مشورت دولتهای عضو قرار می‌گیرد، روشن نیست. می‌توان چنین پنداشت، از آنجا که ماده ۵۰ در فصل هفتم واقع شده است، شورای امنیت می‌تواند در چارچوب اقدام خود برای حفظ صلح، پرداخت (جبران) خسارت به سایر دولتها را به لحاظ خسارات ناشی از يك تحریم یا هر اقدام دیگری که بموجب فصل هفتم اتخاذ شده است، بر دولتها تحمیل کند. همچنین شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که تأمین هزینه‌های مربوط به «جبران» خسارت ناشی از اقدام آن شورا به عهده سازمان باشد. این موضوع از يك بند از رأی که دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده «بعضی هزینه‌های ملل متحد» صادر کرده است مستفاد می‌شود. در این بند آمده است که «مشکل یا ناممکن بودن پیش‌بینی کلیه آثار مالی اقدامهای قهر آمیز برای دولتهای عضو... در ماده ۵۰ معین شده است... بنابر این به نظر می‌رسد که در چنین موردی، شورای امنیت بتواند تصمیم بگیرد دولتی که باید متحمل هزینه‌های بسیار سنگین شود حَق



برخورداري از كمكي مالي دارد؛ اگر اين كمك مالي را آن طور كه پيش بيني مي‌شود، سازمان تامين كند ب وضوح بخشي از «هزينه‌هاي سازمان» محسوب خواهد شد». اين راه حل در پرونده حاضر انتخاب نشده است. كميته ضمانت‌هاي اجرا در قالب عبارات زير كه در همه توصيه‌ها مرتباً تكرر مي‌شود، فقط از دولتها و نهادهاي مالي - به ويژه نهادهاي مالي ملل متحد - خواسته است تا به كشورهايي كه از بحران بيشتر لطمه ديده اند كمك كنند:

«كميته شوراي امنيت كه با قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) براي وضعيت ميان عراق و كويت ايجاد شده است، از همه دولتها به فوريت مي‌خواهد تا بلافاصله كمك‌هاي فني، مالي و مادي خود را به كشور... ارائه بكنند، تا آثار زيانباري كه به علت اعمال ضمانت‌هاي اجرا - بموجب قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) - عليه عراق، براققتصاد آن كشور وارد شده است، تخفيف يابد، از مراجع و نهادهاي تخصصي صالح ملل متحد، بويژه نهادهاي مالي و بانك‌هاي منطقه‌اي توسعه دعوت مي‌كند تا در برنامه كمك‌هاي خود به

بحران و مسؤليت در جنگ خليج [فارس] ❖ ۲۷۲

کشور ... به منظور تقلیل مشکلات اقتصادی این کشور که به سبب اعمال ضمانت اجراهای مندرج در قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) شورای امنیت علیه عراق با آن روبرو است، تجدید نظر کنند».

**ب. اقدام دولتها و سازمانهای بین‌المللی**  
دولتها و سازمانهای بین‌المللی، برای اشتغال به این وضعیت، منتظر، صدور این توصیه‌ها نشده بودند. برای مثال کشورهای عضو شورای اتحادیه اروپای باختری، با بررسی اقدام شورای امنیت، در یک بیانیه اعلام کردند:  
«کشورهایی که از آثار اقتصادی این اقدام متضرر میشوند مستحق برخورداری از همبستگی آنها هستند».

در اعلامیه‌ای که اعضای اتحادیه در ۷ سپتامبر ۱۹۹۰ در رم صادر کردند. تأکید شده است که به کشورهای عرب و

کشورهای قربانی این تحریم کمک نیز خواهند کرد.

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی سریعاً به نزدیکترین کشورها به عراق بویژه به اردن، مصر و ترکیه - اطمینان و تضمین دادند. بالاخره، وزیران اقتصاد و دارایی کشورهای گروه هفت [کشورهای بزرگ صنعتی جهان] که در ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۰ در واشنگتن گرد هم آمدند، بر همبستگی خود با آن دسته از کشورهای در حال توسعه که بیشتر از بقیه از بحران لطمه دیده‌اند، تأکید کردند؛ و سه روز بعد، یعنی ۲۵ سپتامبر، رئیس‌جمهور امریکا، ایجاد گروه مالی هماهنگی برای بحران خلیج [فارس] را بمنظور امداد رسانی به کشورهای که بیشتر از سایرین از تحریم صدمه دیده‌اند، اعلام کرد. این کمیته کمتر از دو ماه پس از تأسیس آن، به ریاست نیکلا برادی<sup>۳۹</sup> در رم تشکیل جلسه داد و تصمیم گرفت یک کمک سیزده میلیارد دلاری به کشورهای که مستقیماً بیشتر از بقیه از تحریم خسارت دیده‌اند، یعنی عمدتاً اردن، مصر و ترکیه،

---

39. Nicholas Brady.

اعطا کند. باید متذکر شد که ایالات متحده امریکا در این کمک شرکت نکرد؛ بی تردید به این جهت که معتقد بود عملیات پشتیبانی آن کشور در چارچوب اقدامات نظامی «توفان صحرا» کافی است. کشورهای خلیج [فارس] مراتب حداکثر همبستگی خود را با اعطای مبلغ ۸/۴ میلیارد دلار نشان دادند؛ بازار مشترک اروپا مبلغ ۲/۲ میلیارد، ژاپن ۲ میلیارد دلار و یک گروه از سایر کشورها (استرالیا، اتریش، کانادا، کره، فنلاند، ایسلند، نروژ، سوئد، سویس) بیش از سیصد میلیون دلار پرداخت کردند.<sup>۴۰</sup>

تقلیل بدهیهای مصر به دولتهای طلبکار عضو کلوب پاریس به نصف، ایالات متحده امریکا (به میزان هفت میلیارد دلار) و به کشورهای عضو شورای خلیج [فارس] (به میزان هفت میلیارد دلار) را نیز میتوان به جنبش همبستگی در مقابل تحریم مربوط دانست. همچنین این تقلیل بدهی را میتوان ناشی از واقع بینی سیاسی<sup>۴۱</sup> و به عنوان هدیه ای به دولت مصر

۴۰. روزنامه لوموند، پاریس، ۷ نوامبر ۱۹۹۰.

برای قردادانی از مواضعش در بحران خلیج  
[فارس] قلمداد نمود.

اساس آنچه را که می‌توان «مسئولیت-  
همبستگی» نامید، درخواستی مشورتی که  
رومانی در اجرای ماده ۵۰ مطرح کرد،  
صریحاً بیان شده است: «از آنجا که  
رومانی از خود، همبستگی نشان داده است  
و از آثار اقتصادی و مالی مستقیم ناشی  
از اعمال ضمانتهای اجرا خسارت دیده و  
هنوز خسارت می‌بیند، مشروعاً محق است که  
از جامعه بین‌المللی تقاضای جبران  
عادلانه زیانهای متحمل را بنماید».  
(سند S/22021).

بدین ترتیب، امر محقق کردن امنیت  
جمعی منجر به ایجاد احساس مسئولیت  
جمعی، احساس تقبل «بهای» این امر و نوعی  
همبستگی بین‌المللی می‌شود که مستلزم  
سرشکن کردن مساوی هزینه ایی است که، به  
لحاظ شرکت در اقدامهای شورای امنیت، به  
دولتهای مختلف تحمیل می‌گردد.

باید متذکر شد که این همبستگی  
مبتنی بر اندیشه مسئولیت ناشی از ایجاد  
خطر (مسئولیت عینی) که در سطح  
بین‌المللی به اجرا گذاشته شده است، در

سطح داخلی نیز در نظام‌های مختلف حقوقی ملی متجلی شده است. بدون اینکه در اینجا به بررسی تفصیلی تدابیری که اتخاذ شده است بپردازیم، متذکر می‌شویم که برای مثال در فرانسه آن دسته از مؤسساتی که ادامه حیات آنها، به لحاظ قطع روابط تجارتشان با عراق به دنبال تحریم، به مخاطره افتاده بود، از مهلتی برای پرداخت مالیات و سهم خود برای هزینه‌های اجتماعی (بیمه اجتماعی، بیکاری، بازنشستگی، ...) و نیز از تدابیر ارفاقی منطبق با هر مورد خاص بهره‌مند شدند.

### گفتار دو

ترمیم خسارات، مبتنی است بر اندیشهٔ مسؤولیت

ناشی از ارتکاب عمل نامشروع

مسؤولیت بین‌المللی مبتنی بر وجود اعمال نامشروع، تکلیف به جبران خسارات ناشی از این اعمال را ایجاد می‌کند؛ این یک قاعده عرفی اساسی در حقوق بین‌الملل است که معاهدات متعددی آن را تأیید کرده است؛ فقط متذکر شویم که هم

حقوق لاهه و هم حقوق ژنو،<sup>۴۲</sup> تکلیف مبني بر ترميم خسارات ناشي از نقض مقررات خود را پيش بيني کرده اند. حقوق لاهه تنها تکلیف جبران خسارت را پيش بيني مي کند، حال آنکه حقوق ژنو توأم براي دولت مسؤوليت کيفري فردي و تکلیف ترميم ايجاد مي نمايد؛ اندیشه اصلي اين است که حتي اگر بعضي افراد، عاملان يا شهروندان يك کشور به اتهام ارتكاب يك

---

۴۲. مسؤوليت مدني دولتها به لحاظ نقض کنوانسيون ۴ لاهه در ماده ۳ اين کنوانسيون پيش بيني شده است: «طرف متخصصي که مقررات مربوط کنوانسيون را نقض کند، در صورت ورود خسارت، مکلف به پرداخت غرامت است. طرف متخصص، مسؤولي اعمال ارتكابي اشخاصي که جزء نيروهاي مسلح آن مي باشند نیز خواهد بود».

مسؤوليت مدني دولتها در چهار کنوانسيون ژنو، در ماده مربوط به مسؤوليت طرفهاي قرارداد پيش بيني شده است: اين ماده مقرر مي دارد که: هيچ طرف قراردادي (متعاهدي) نمي تواند خود يا يك طرف ديگر قرارداد را از مسؤوليت هاي ناشي از ارتكاب جرايم پيش بيني شده در ماده قبل معاف کند». (ماده مشترك در چهار کنوانسيون؛ ماده ۵۱ در کنوانسيون ۱؛ ماده ۵۲ در کنوانسيون ۲؛ ماده ۱۳۱ در کنوانسيون ۳؛ ماده ۱۴۸ در کنوانسيون ۴).

پروتکل هاي ۱۹۷۷، دو باره مسؤوليت هر دولت را به لحاظ نقض مقررات کنوانسيون ها يا پروتکل ها تأييد مي کند: پروتکل ۱، ماده ۹۱ - مسؤوليت: طرف متخصصي که مقررات کنوانسيون ها يا مقررات اين پروتکل را نقض کند، در صورت ورود خسارت، مکلف به پرداخت غرامت خواهد بود. اين طرف، مسؤول هر عمل ارتكابي اشخاصي است که جزء نيروهاي مسلح آن هستند».

جرم شدید علیه معاهدات ژنو از نظر کیفری تحت تعقیب باشند، مسؤولیت دولت متبوع آنان، در ارتباط با خسارات ایجاد شده، زایل نمی شود و احتمالاً مکلف به پرداخت غرامت است.

بنابراین مسؤولیت بین المللی، در این تعبیر، مستلزم آن است که کلیه خساراتی که مستقیماً از اعمال کشور مغلوب و احتمالاً از کشورهای فاتح ناشی می شود و از نظر بین المللی نامشروع است، جبران شود. این برداشت در چارچوب حقوق بین الملل پذیرفته شده است، جبران شود. این برداشت در چارچوب زور قابل تصور نیست. باید متذکر شد که چون نمی توان عملیات نیروهای متفق را به عنوان یک اقدام سازمان ملل متحد تحلیل کرد، بنابر این مسؤولیت این سازمان در هیچ حالتی مطرح نمی شود، بلکه جبران خسارات ناشی از عملیات به عهده کشورهای مختلفی است که این خسارات قابل انتساب به آنها باشد.<sup>۴۳</sup>

---

۴۳. در این مورد رک.

Klein (Pierre), Statut et responsabilite des forces coalisees, in La guerre du golfe et le droit international, centre de droit international, U.L.B., P.79 et p.86.



## الف. سوابق

در واقع دو مسأله باید از هم تفکیک شود: یکی ترمیم کلی خسارات بوسیله کشور متجاوز است که ممنوعیت اصل بین‌المللی عدم توسل به زور را زیر پا گذاشته است، و دیگری ترمیم‌های پذیرفته شده برای خسارات‌های مشخص ناشی از اعمال ارتكابی در زمان جنگ یا غیر آن است که از نظر بین‌المللی نامشروع می‌باشد، و بوسیله مکانیسم‌های مختلف تعیین شده است. به نظر می‌رسد مکانیسمی که اکنون در چارچوب سازمان ملل متحد به جریان انداخته شده است، ترکیبی از این دو جنبه باشد.

### ۱- «ترمیم» به معنای واقعی

اندیشه ترمیم کلی که یک کشور متجاوز (و مغلوب) باید متقبل شود نسبتاً جدید است. البته، در طول تاریخ کشورهای فاتح مقداری غنیمت جنگی از کشورهای مغلوب به دست می‌آوردند، و از سده هیجدهم اغلب معاهدات صلح حاوی شرطی بوده اند که بنابر آنها آن پرداخت

غرامت جنگي بوسيله کشور مغلوب به کشور فاتح پيش بيني مي شده است؛ ليکن همان طور که استاد شارل روسو متذکر مي شود، «این شرط مبتني بر اندیشه مسؤوليّت ناشي از آغاز يك جنگ ناعادلانه نيست، بلکه صرفاً تاوان شکست محسوب مي شود».<sup>۴۴</sup> اندیشه ترميم آن طور که امروزه به آن عمل مي شود متفاوت است و برپايه اعمال مسؤوليّت بين المللي استوار است، حتّي اگر اين مسؤوليّت در عمل بطور يکساني برمغلوب و فاتح سنگيني نکند.<sup>۴۵</sup> پيدايش اين اندیشه در واقع مصادف است با غير قانوني اعلام شدن جنگ و بنا بر اين در سده بيستم محقق شده است.

سابقه اي که عموماً به آن استناد مي شود، «ترميمهائي» است که پس از جنگ اول

---

44. Le droit des conflits armes, Paris, pedone, 1983, p.205.

45. همان طور که آقاي پل تاورنيه دريکي از درسهاي خود در دوره آموزشي تابستان ۱۹۸۹ در مؤسسه حقوق بين الملل تسالونيك [يونان] در باره «مسائل مربوط به مسؤوليّت بين المللي و جنگ خليج [فارس]» - مراد جنگ ايران و عراق است - متذکر مي گردد: «تجربه مخاصمات قبلي - از جمله جنگ دوم جهاني، نشان مي دهد که مسؤوليّت طرف مغلوب، که غالباً متجاوز توصيف مي شود، به طور قاطع مطرح مي شود حال آن که طرف فاتح براي مسؤوليّت خود همواره عذر هايي را مطرح مي کند».

جهانی به آلمان تحمیل شد: بدین سان بود که کنفرانس صلح پاریس در ۱۹۲۱ مبلغ خسارتهایی را که آلمان می‌بایست جبران کند ۲۶۹ میلیارد مارك طلا تعیین کرد. اما می‌دانیم که در مقابل مشکلاتی که آلمان با آن مواجه بود، این مبلغ چندین بار تقلیل داده شد و بالاخره به ده تا بیست درصد مبلغی که ابتدائاً به عنوان «ترمیم» خسارات تعیین شده بود رسید.

معـذلك، از نظر حقوقی محض، این «ترمیمها» بیشتر حق قدیمی فاتح را منعکس می‌کند تا اعمال قواعد و مقررات بین‌المللی مربوط به حق توسل به جنگ را؛ زیرا جنگ تنها بوسیله معاهده بریان-کلوگ در ۱۹۲۸ از نظر بین‌المللی غیر قانونی اعلام شد. در این مفهوم، جبران و ترمیم خسارات عملاً يك ضمانت اجرائی حقیقی است. این سابقه در ۱۹۴۵، به لحاظ عدم امضای يك عهد نامه صلح، در قبال آلمان تکرار نشد.

## ۲- ترمیم خسارات

جنگ و سایر وضعیتهای خصومت آمیز نیز، مانند انقلابها، ملی‌کردنهای وسیع،

بحران و مسؤولیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۸۳

تنشهاي ميآن ايران- امريکا ناشي از گروگانگيري در سفارت امريکا در تهران، ممکن است خسارتهايي ايجاد کنند که اشخاص - حقيقي يا حقوقي- يا دولتها آثار آن را متحمل بشوند.

انواع مکانيسمهاي ممکن براي حل اختلاف مربوط به ترميم اين نوع خسارتهها پيش بيني شده است. به نظر ما مي توان اين مکانيسمها را در دو دسته عمده طبقه بندي کرد:<sup>۴۶</sup>

مکانيسم اول، بر اساس توافق ميآن دولتها، بمنظور حل و فصل اختلافاتشان ايجاد مي شود؛ خواه بدين جهت که داراي

---

۴۶. گروه (دسته) سوم که جنبه فرعي دارد، از مکانيسمي تشکيل شده است که در قالب توافق بين دولتها، بمنظور حل و فصل اختلافات بين يکي از کشورها و اتباع کشور ديگر پيش بيني شده است، ليکن براي به اجرا گذاشتن آن از مشارکت افراد استفاده مي شود. به عنوان مثال: معاهده سن ژرمن و تري انون براي حل و فصل اختلافات ناشي از بهره برداري از راه آهن؛ موافقتنامه فرانسه- الجزاير (۱۹۶۵) براي حل و فصل اختلافات بين دولت الجزاير و شرکت هاي نفتي فرانسوي؛ موافقتنامه فرانسه، انگلستان، ايتاليا و يونان (۲۴ فوريه ۱۹۲۳) راجع به خسارات قابل انتساب به نيروهاي مسلح و ادارات دولتي يونان، غير از خسارتهاي ناشي از خود جنگ و اقدام هاي مربوط به آن دادگاههاي داوري مختلط فرانسه- يونان، انگلستان- يونان و ايتاليا- يونان در چارچوب و به موجب همين موافقتنامه ايجاد شدند.

حقوق خاصی هستند و می‌خواهند در این قالب مطرح کنند، خواه بدین لحاظ که ادعاهای اتباع خود را به عهده گرفته و می‌خواهند در چارچوب این مکانیسم به آنها رسیدگی کنند.

مکانیسم دوم، بر پایه توافق میان دولت‌ها ایجاد می‌شود تا در چارچوب آن از یک سو، اختلافات موجود بین آنها مربوط به حقوق خاصشان و از سوی دیگر، اختلاف‌های بین یکی از آنها و اتباع دولت دیگر، که دسترسی مستقیم به این مکانیسم دارند، حل و فصل گردد.

#### ۱-۲- مرجع (ارگان) داوری خاص دولت‌ها

کمیسیون‌های مختلفی که بین مکزیک از یک سو، و فرانسه، انگلستان، ایالات متحده آمریکا و آلمان از سوی دیگر، ایجاد شد، با هدف جبران خساراتی که مکزیک مسئولیت آن را بعد از انقلاب‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰ متقبل شد، در این دسته قرار می‌گیرد.

بعد از جنگ اول جهانی، موافقتنامه‌هایی از این نوع بین ایالات متحده آمریکا و آلمان از یک سو، و ایالات

بحران و مسئولیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۸۵

متحده امریکا و اتریش و مجارستان از سوی دیگر (موافقتنامه ۲۶ نوامبر ۱۹۲۴) بمنظور تشکیل کمیسیون‌هایی به امضا رسید که مأموریت آنها رسیدگی به ادعاها و شکایاتی بود که دولت امریکا به نام آن گروه از شهروندان خود که در جریان جنگ متحمل خسارات قابل انتساب به آلمان، اتریش یا مجارستان شده بودند، اقامه می‌کرد.

پس از جنگ دوم جهانی، این الگو (نمونه - مدل) مورد استفاده کمیسیونهای سازش و مصالحه‌ای که عهدنامه صلح ۱۹۴۷ با ایتالیا ایجاد کرده بود- که علی‌رغم عنوانشان مراجع داور بود- قرار گرفت. بنابر این صلاحیت کمیسیونهای مصالحه بین ایالات متحده امریکا و ایتالیا یا بین فرانسه و ایتالیا محدود به دولتهایی می‌شد که مسؤولیت دعاوی شهروندان خود را به عهده می‌گرفتند. همین الگو، به عنوان مثال، برای کمیسیون مختلطي که بموجب عهدنامه ۲۱ نوامبر ۱۹۵۶ بین ایالات متحده امریکا و اتریش ایجاد گردید، به کار گرفته شد.

## ۲-۲- مرجع داوری خاص دولتها و افراد

«این دادگاهها بمنظور دستیابی به حل و فصل دعاوی متعددی از نوع معین تشکیل شد که در آنها مسؤولیت یکی از دولتهای متعاقد مطرح بود؛ می‌توان گفت به نوعی سایر قدرتهای متعاقد، کلیه دعاوی را که جزء دسته‌های، از نظر قراردادی، معین قرار گرفته بودند، کلاً به عهده گرفتند؛ زیرا سهولت و سادگی تشریفات رسیدگی ایجاب می‌کرد که به اشخاص خصوصی اجازه داده شود تا دعاویشان را خود مطرح و تعقیب کنند».<sup>۴۷</sup>

بدین سان، تقبل کلی ادعاها به وسیله دولتهای متعاقد، بعد از جنگ اول جهانی، به قربانیان خسارات ناشی از عملیات جنگی و تصفیه حسابهایی که دولتهای نوپای پس از جنگ تصویب کرده بودند و بالاخره به قربانیان خسارات ناشی از قطع قراردادهای موجود میان اتباع کشورهای متخاصم، اجازه داد تا در مقابل دادگاههای داوری مختلط متعددی که در چارچوب عهدنامه ورسای (مواد ۳۰۴-

47. Dehaussy(I), Repertoire Dalloz, Droit international, rubrique "Arbitrage", Droit international public, n 123.

۳۰۵)، سن ژرمن (ماده ۲۵۶)، نويي (ماده ۱۸۸)، لوزان (ماده ۹۲) ايجاد شده بود، به غرامت خود دست يابند. همین سيستم — اگر چه پیچیده تر- در موافقتنامه هاي منعقد شده در ۱۹۵۳ با آلمان در باره بدهيهاي خارجي نیز پيش بيني شده بود که موجب آن، طلبکاران به کمیسیونهاي مختلط دسترسي داشتند.

کمیسیون داوري در باره اموال، حقوق و منافع که به موجب کنوانسیون حل و فصل مسائل مربوط به جنگ و اشغال<sup>۴۸</sup> ايجاد شد نیز براي دريافت مستقيم و رسيدگي به ادعاهاي اشخاص حقيقي يا حقوقي قرباني خسارات مفتوح بود. و بالاخره همین الگو براي دادگاه اختلافات ايران و امريکا نیز مورد استفاده قرار گرفت.

#### ب - ترميم خسارات در قطعنامه ۶۸۷

---

۴۸. این کنوانسیون در ۲۶ مه ۱۹۵۲ در بن به امضا رسيد و بوسیله پروتکل ۲۳ اکتبر ۱۹۵۴ اصلاح شد (ماده ۷ فصل ۵ و ماده ۱۲ فصل ۱۰).



قطعنامه ۶۸۷، در کل، موضوع ترمیم خسارات و ضمانت اجرا را مطرح می‌کند، لیکن بندهای ۱۵ تا ۱۹ آن، تکلیف مسأله «ترمیم» به معنای فذی کلمه را روشن می‌کند.

ذکر متن آن قسمت از مفاد قطعنامه ۶۸۷ که مربوط به ترمیم خسارات ناشی از بحران و «جنگ خلیج [فارس] است، در اینجا بی‌فایده به نظر نمی‌رسد:

«شورای امنیت

۱۵. از دبیر کل می‌خواهد تا گزارشی در باره تدابیر اتخاذی، بمنظور تسهیل اعاده کلیه اموال کوییتی‌ها که عراق آنها را ضبط کرده است، همراه با سیاهه ای از کلیه اموالی که هنوز به کویت اعاده نشده است یا به حالت اولیه به این کشور تحویل نشده است به شورای امنیت ارائه دهد؛

۱۶- دوباره تأیید می‌کند که عراق، بدون چشم پوشی از مسأله بدهیها و تعهدات این کشور، قبل از ۱۲ اوت ۱۹۹۰ که از طرق عادی حل و فصل خواهد شد، بموجب حقوق بین‌الملل مسؤول کلیه زیانها، خسارات (از جمله صدمات به محیط

بحران و مسؤولیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۸۹

زیست و استفاده عمده بی رویه منابع طبیعی) و نیز ضررهایی است که دولتها دیگر و اشخاص حقیقی و شرکتهای خارجی متحمل شده اند و مستقیماً قابل انتساب به هجوم و اشغال نامشروع کویت بوسیله عراق است؛

۱۷ - تصمیم می‌گیرد که اعلامیه های عراق از ۲ اوت ۱۹۹۰ درباره بدهی خارجیش باطل و هیچ اثری بر آنها مترتب نیست و از دولت عراق می‌خواهد تا به دقت کلیه تعهدات خود را بابت خدمات و بازپرداخت بدهی خارجیش انجام دهد؛

۱۸ - همچنین تصمیم می‌گیرد یک صندوق جبران خسارات، موضوع بند ۱۶، ایجاد کند و کمیسیونی را که مأمور اداره این صندوق باشد نیز تشکیل دهد؛

۱۹ - دبیرکل را مأمور می‌کند که سی روز پس از تصویب قطعنامه حاضر، توصیه‌هایی درباره طرز کار صندوق جبران خسارت تهیه، تنظیم و برای تصمیم‌گیری به آن (شورای امنیت) تسلیم کند».

## ۱- دامنه و نحوه ترمیم خسارات

۱-۱- استرداد [اموال] و جبران خسارت

به نظر می‌رسد که شورای امنیت  
استرداد کامل اموال را تنها در مورد  
اموال کویته‌ها پیش‌بینی می‌کند. برای آن  
دسته از زیانها و خساراتی که مشمول  
استرداد کامل نمی‌شوند و نیز برای کلیه  
ضررهایی که کشورها و اشخاص حقیقی و  
شرکتهای خارجی متحمل شده‌اند، اصل تکلیف  
جبران آنها بوسیله عراق است، مشروط بر  
این که این خسارات مختلف مستقیماً قابل  
انتساب به حمله و اشغال غیر قانونی  
کویت بوسیله عراق باشد (بند ۱۶ قطعنامه  
۶۸۷).

## ۲-۱- قلمرو ترمیم

تکلیف ترمیم برای عراق بسیار  
گسترده است؛ زیرا بندهای مربوط در  
قطعنامه ۶۸۷ به شیوه‌ای کاملاً جامع انشاء  
و بیان شده است: کلیه ضررها، کلیه  
خسارات، کلیه زیانها...؛ علاوه بر این  
بیان عام، دو نوع خسارت صراحتاً قید شده  
است: یکی صدمه به محیط زیست و دیگری  
هدردادن منابع طبیعی. شورای امنیت بی  
تردید، از آن جهت که این دو نوع خسارت  
معمولاً در نظر گرفته نمی‌شود، آنها را

بحران و مسؤلیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۹۱

با عنوان نام برده و پیش‌بینی کرده است. رعایت مقررات مربوط به محیط زیست، حتی اگر در سلسله مراتب قواعد بین‌المللی در سطح بالایی قرار گرفته باشد، قاعده و هنجار بین‌المللی نسبتاً جدیدی است؛ از سوی دیگر، تکلیف احترام به منابع طبیعی، اگر چه بی‌تردید بر اصل حاکمیت دایمی برای منابع استوار است، به ندرت، و حتی هرگز، منجر به جبران خسارت نشده است.

دو مسأله در مورد دامنة موارد جبران خسارت در اینجا مطرح می‌شود: یکی جبران احتمالی عدم النفع و دیگری مستثنی کردن خسارت غیرمستقیم است.

#### ۱-۲-۱- خسارات مسلم و عدم النفع

نخستین مسأله این است که آیا فقط خسارات مسلم و قطعی در نظر گرفته خواهد شد یا اینکه عراق بابت عدم النفع نیز مسؤول تلقی خواهد گردید. این موضوع صرفاً يك موضوع نظری نیست، کاربرد همزمان دو اصطلاح «کلیه زیانها» و «کلیه خسارات» در قطعنامه ۶۸۷ این موضوع را مطرح کرده است. همچنین متذکر شویم که

بلغارستان در یادداشتی که به کمیته ضمانتهای اجرای تسلیم کرده است، به زیانهای مربوط به قراردادهای و بازارهایی که جامه عمل به خود نپوشانده و به سودهای محقق نشده اشاره نموده است (سند S/۲۲۰۲۱، ص ۱۱). در این موارد، خساراتی وجود دارد که دولتها بی تردید در مقام جبران آنها بوسیله عراق خواهند بود.

#### ۲-۲-۱- خسارات مستقیم

مسئله دوم که در عین حال پیچیدهترین مسأله نیز هست، تعیین میزان خساراتی است که مستقیماً قابل انتساب به عراق است. نخستین پرسشی که می‌توان در اینجا مطرح کرد این است: درجه و میزان اهمیت اصطلاح به کار برده شده در قطعنامه ۶۸۷ که ظاهراً دامنه بسیار وسیعی را برای مسؤولیت عراق پیشبینی می‌کند چیست؟، زیرا در این قطعنامه خساراتی که مستقیماً به لحاظ حمله به کویت و اشغال آن قابل انتساب به عراق باشد، مطرح نیست، بلکه زیانهای مستقیماً قابل انتساب به این تهاجم و اشغال مد

بحران و مسؤولیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۹۲

نظر است. حال مسأله این است که دامنه و گستره احتمالی سیاق این عبارت چیست؟ بخشی از خساراتی که باید جبران شود، از خصومت مسلحانه ناشی شده است، لیکن سایر خسارات در زمان قبل از آغاز جنگ به وجود آمده است. امکان دارد که خرابیهای جنگ سبب فراموشی مرحله قبل از ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ شده باشد، لیکن شایسته است که حقوقدانان آن را به یاد آورند. کمیته رؤسای اتحادیه اروپای غربی در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۰ از شورا تقاضا کرد تا برای تحقق امر «ترمیم زیانهای وارده به شهروندان خارجی که بر خلاف میل خود در عراق نگاه داشته شده بودند و نیز جبران زیانهای وارده به نمایندگان دیپلماتیک در کویت» از هیچ تلاشی فروگذاری نکند (قطعنامه ۴۸۹).

مسلماً خسارات ناشی از واکنشهای سایر کشورها مستقیماً قابل انتساب به عراق نیست: اول واکنشی که مستلزم کاربرد زور نیست، و سپس واکنش نظامی متفقین. به عبارت دیگر، خساراتی که قبل از جنگ، عراق به گروهانها و نمایندگان دیپلماتیک و نیز، به دنبال

حمله به کویت، به اشخاص و اموال وارد کرده است باید جبران شود؛ همچنین خسارتهایی که در طول «جنگ»، نیروهای نظامی صدام حسین، موشکهای پرتاب شده به عربستان سعودی و اسرائیل و آتش زدن چاههای نفت و آلودگی محیط زیست بوجود آورده اند باید ترمیم شود. خسارتهایی که از تحریم یا بمبارانهای متفقین ناشی شده باشد، جزء این نوع خسارات محسوب نمی‌شود.

## ۲- مکانیسم عملی ساختن مسؤولیت عراق

۱-۲- صندوق جبران و ترمیم خسارات [پرداخت غرامت] <sup>۴۹</sup>

قطعنامه ۶۸۷ ایجاد يك صندوق رفع خسارت و يك کمیسیون مسؤول اداره این صندوق را، بمنظور تضمین پرداخت غرامتهای لازم برای جبران خسارتهای قابل انتساب به عراق، پیش بینی کرده است. شورای امنیت، همچنین از دبیر کل سازمان

---

۴۹. برای اطلاعات بیشتر در مورد این صندوق رك: كزازی (دکتر محبی)، کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد، مجله حقوقی، شماره ۱۶-۱۷ سال ۷۲-۱۳۷۱، ص ۱۰۵ و بعد. و همچنین رك به :

The united Nations Compensation Commission, Richard B, Lillich, Transnational Publishers, Inc, 1995, New York. م

بحران و مسؤولیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۲۹۵

ملل متحد خواست تا ظرف مدت سي روز پس از تصویب قطعنامه، توصیه هایی در مورد طرز کار این کمیسیون به آن شورا تسلیم کند.

این توصیه ها طی گزارش ۲ مه ۱۹۹۱ دبیر کل که ظاهراً شامل خطوط بی نهایت مبتکرانه ای برای حل و فصل مسأله جبران خسارات بوسیله عراق است، به شورا امنیت تسلیم شد (سند S/ ۲۲۵۵۹).

ابتدا يك صندوق پرداخت غرامت، در قالب يك حساب ویژه سازمان ملل متحد تحت عنوان «صندوق جبران خسارات ملل متحد» که از آن برای پرداخت غرامتها و خسارات استفاده خواهد شد، ایجاد گردید.<sup>۵۰</sup> بدیهی است که عراق، به عنوان مسؤول خسارات، باید بودجه این صندوق را تأمین

---

۵۰. کاربرد ترجیحی واژه جبران خسارت (Compensation) بجای واژه پرداخت غرامت (Indemnisation) چنین القا می کند که ممکن است ترمیم جبران خسارات تام و کامل نباشد. دبیر کل از این موضوع آگاه بوده است، زیرا در گزارش خود چنین می نویسد «هیأت مدیره باید رهنمود های دیگری در مورد پرداخت مبالغ مربوط به ادعاها تنظیم و تدوین کند؛ برای مثال باید تعیین کند که آیا مبالغ موارد ادعا باید تماماً پرداخت شود یا بنا بر درصد معینی در مورد حالت اخیر، آن بخش از این مبالغ پرداخت نشده، به عنوان تعهدات باقی خواهد ماند» (سند S/۲۲۵۵۹، ص ۱۰، فصل ۲۸).



کند، لیکن همان طور که گزارش دبیر کل تأکید می‌کند «ترتیباتی که باید برای تضمین پرداخت سهمیه ها به صندوق اتخاذ شود، یکی از دشوارترین و فنی‌ترین تکالیف است» (سند قبلی، بند ۱۴، ص ۵) این تکلیف به کمیسیون مسؤول اداره این صندوق که در صفحات بعد راجع به آن بحث خواهیم کرد، محول شده است. گزارش دبیر کل صرفاً یک چارچوب کلی که در قالب آن، کمیسیون باید انتخابهای خود را به عمل آورد و اقداماتی اتخاذ کند، به دست می‌دهد.

ابتدا راه‌حل معمول برای تأمین بودجه صندوق تضمین پرداخت آن میزان از خساراتی که دادگاه اختلافات ایران و امریکا به نفع شهروندان امریکایی تعیین می‌کند، کنار گذاشته شد.<sup>۵۱</sup> دبیر کل در گزارش خود تأکید می‌کند که «شورای

---

۵۱. نصف دارایی‌های توقیفی که بدنبال موافقتنامه ۱۹ ژانویه ۱۹۹۱ در حساب امانت واریز شده است باید در یک حساب تضمینی که بهره به آن تعلق می‌گیرد واریز شود تا آن میزان که موجودی این حساب به یک میلیارد دلار برسد. پس از تأمین این موجودی، دارایی‌های توقیفی باقیمانده در حساب امانت باید به ایران بازگردانده شود. متعاقب آن، ایران می‌بایست همواره موجودی حساب تضمینی را حداقل در سقف ۵۰۰ میلیون دلار نگه دارد.

امنیت» داراییهای مسدود شده «عراق را که در اختیار ثالث است برای تأمین موجودی صندوق در نظر نگرفته است» (سند قبلی، بند ۱۶، ص ۵).

اندیشه‌ای که شورای امنیت در قطعنامه ۶۸۷ برگزیده است، تأمین بودجه این صندوق به کمک عراق و شامل «درصدی از ارزش صادرات نفت و تولیدات نفتی این کشور است» (بند ۱۹). مع ذلك، اعضای شورای امنیت در مورد میزان این درصد توافق ندارند: بنابر نظر ایالات متحده آمریکا این درصد باید بین ۴۰٪ تا ۵۰٪ باشد، حال آنکه فرانسه و انگلستان با ۲۰٪ تا ۳۰٪ و کشورهای غیر متعهد با رقمی که از ۱۰٪ تجاوز نکند موافق هستند. دبیر کل سقف ۳۰٪ را پیشنهاد کرده است، لیکن سؤالی که مطرح می‌شود آن است که خصیصه الزام آور این پیشنهاد، از نظر حقوقی، چیست؟

در واقع کمیسیون اداره صندوق باید با در نظر گرفتن عوامل متعددی از جمله، ضرورت حل و فصل مسأله ترمیم خسارات ظرف یک مدت معقول از یک سو، و مسأله نیازهای عراق برای بازسازی و توسعه خود

از سوی دیگر، این درصد را تعیین کند. به علاوه، دولت عراق در پاسخ به شرایط مندرج در قطعنامه ۶۸۷، طی نامه ای به شورای امنیت به این نکته جلب توجه نموده و محدودیتهای را نسبت به قطعنامه مزبور قبل از قبول بدون قید و شرط آن در قالب رأی ۶ آوریل ۱۹۹۱ مجلس عراق - مطرح کرده است. در این نامه تأکید شده بود که پرداخت خسارات بوسیله عراق - خرابیها و زیانهای وارده به این کشور را به حساب نمی آورد و هدفش محروم کردن ملت عراق از منابع خود و از حق برخورداری از یک زندگی شایسته و در خور و نیز محروم کردن از ابتدایی ترین نیازهای خود است.

بدیهی است که ایجاد موازنه کاری بس دشوار است، بویژه اگر به این موضوع فکر کنیم که این منابع از ملت عراق گرفته خواهد شد که کردها و شیعیان جنوب که در ردیف اول قربانیان رژیم قرار دارند، بخشی از آن را تشکیل می دهند. متذکر شویم که مسأله درصدی از درآمدهای نفتی عراق که این کشور باید پردازد، فعلاً تنها موضوعی است که به اجماع هیأت

مدیره نیاز دارد، لیکن در صورت عدم حصول اجماع، موضوع ممکن است به شورای امنیت احاله شود.

پس از حل و فصل مسأله درصد - که پیش‌بینی می‌شود موجب مذاکرات و بحث‌های طولانی و سختی در کمیسیون بشود- باید اطمینان حاصل کرد که مبالغ منطبق با این درصد به صندوق جبران خسارات واریز شود. در گزارش دبیر کل، چندین راه حل قابل تصور و در نظر گرفته شده است:

- عراق درصد پیش‌بینی شده از ارزش تجارتي صادرات را که در روز صدور محاسبه می‌شود، طی سی روز پس از صدور پرداخت کند.

- عراق يك مبلغ مقطوع که معادل سهم برآورد شده اش در طول شش ماه یا سه ماه می‌گردد، به يك حساب مسدود شده واریز کند.

- صندوق کلیه پرداخت‌های مربوط به صادرات نفتي عراق را دریافت کند و پس از کسر درصد خود، مابقی وجوه را به عراق باز پرداخت نماید.

- يك حساب تضمینی مسدود شده کلیه پرداخت‌های مربوط به صادرات نفتي عراق

را دریافت کند، و سپس مبالغ دریافتی را بین صندوق جبران خسارات و دولت عراق، با توجه به درصد پیش بینی شده، تقسیم و توزیع نماید.

بدیهی است که هر یک از این راه حلها مزایا و معایب خود را دارد:

راه حل‌هایی که به حاکمیت عراق احترام گذارده، متضمن حسن نیت دولت عراق است؛ راه حل‌هایی که تأمین موجودی صندوق را در هر حال تضمین کرده، به حاکمیت این کشور کمتر احترام گذارده است. به هر تقدیر، کمیسیون اداره صندوق در واقع باید راه حل مورد نظر را انتخاب کند. این صندوق از همین حالا بوسیله قطعنامه ۶۹۲ که در ۲۰ مه ۱۹۹۱ با چهارده رأی (کوبا ممتنع) پذیرفته شد، ایجاد گردیده است.

## ۲-۲- کمیسیون

قطعنامه ۶۸۷ پیش بینی می‌کند که این صندوق بوسیله کمیسیونی که ارگان فرعی شورای امنیت خواهد بود و «کمیسیون جبران خسارات ملل متحده» نامیده خواهد شد، اداره می‌گردد. کمیسیون مأمور اداره کلی

بحران و مسئولیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۳۰۱

مسأله جبران و ترمیم خسارات و زیان‌هایی است که به عهده دولت عراق گذارده شده است، و به همین جهت باید به یک سلسله مسائل پیچیده اداری، مالی، حقوقی و مسائل مربوط به سیاست عمومی پردازد» (سند ۲۲۵۵۹ / S، بند ۴، ص ۲). در میان این وظایف، کمیسیون باید، همان طور که قبلاً گفته شد، تصمیماتی را درباره صندوق جبران خسارات اتخاذ کند. کمیسیون باید همچنین در خصوص موضوعاتی اساسی، چون نحوه احصای مطالبات و ادعاها یا برآورد زیانها تصمیم بگیرد، و بالاخره شیوه حل و فصل اختلافات را نیز تعیین کند.

این کمیسیون دارای یک ارگان اصلی، یعنی هیأت مدیره، مرکب از پانزده عضو نماینده اعضا شاغل شورای امنیت و در نتیجه منعکس کننده موازنه در درون این ارگان است.<sup>۵۲</sup> کمیسیون، علاوه بر هیأت مدیره، یک دبیرخانه، مرکب از یک دبیر اجرایی و کارکنان مورد نیاز، نیز خواهد داشت، با توجه به پیچیدگی مسائلی که

---

۵۲. مع ذلك باید متذکر شویم که در هیأت مدیره حق وتو وجود ندارد و به استثنای مسأله درصدی که عراق باید به صندوق (حساب) واریز نماید، سایر مسائل، بنابر گزارش دبیر کل، باید با رأی ۹ عضو به تصویب برسد.

ترمیم خسارات بوسیله عراق مطرح کرده است، کمیسیون از همکاری تعدادی کمیسر برخوردار خواهد بود که بصورت شخصی و بعنوان کارشناسی در مورد این یا آن مسأله حساس و ظریفی که کمیسیون باید لزوماً حل و فصل نماید، اقدام می‌کنند. بدینسان، کارشناسان مالی، حقوقی، حسابداری، بیمه و متخصص در برآورد خسارات وارده به محیط زیست و غیره در کنار کمیسیون وجود خواهند داشت. دفتر این کمیسیون که قطعنامه ۶۹۲ آن را ایجاد کرده است در ژنو تعیین شده است.

### ۳- آیینهای عملی ساختن مسؤلیت عراق

بنابراین، کمیسیون در مرکز تشکیلاتی که مسؤول به اجرا درآوردن مسؤلیت عراق به لحاظ خسارات جنگی است، قرار دارد. در واقع، کمیسیون است که باید در مورد نحوه تسلیم ادعاهای خسارت دیدگان تصمیم بگیرد. لیکن دبیر کل پیشنهاد می‌کند که کمیسیون، «بنابر یک قاعده کلی، فقط ادعاهای دسته بندی شده‌ای را مورد بررسی قرار دهد که یک دولت به نام خود و به نام اشخاص حقیقی

بحران و مسؤولیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۳۰۳

یا حقوقی که تابعیت آن را دارند، تسلیم می‌کند» (سند ۲۲۵۵۹ S/، بند ۲۱، ص ۷). با این استثنای احتمالی که اشخاص یا شرکتها مجاز باشند تا در پرونده های بسیار مهم یا خیلی پیچیده مستقیماً به کمیسیون مراجعه کنند.

بنابراین، این مسأله که آیا تنها دولتها خواهند توانست ادعا و شکایت را به کمیسیون تسلیم کنند یا اینکه چند نفر یا چند شرکت نیز می‌توانند این کار را بکنند، هنوز حل نشده است. در هر حال، روش حاکم این خواهد بود که دولت، طرح ادعاهای شهروندان خود را در کمیسیون به عهده خواهد گرفت. اما هر دولت آیینهای داخلی راجع به مراحل قبل و بعد از طرح ادعا را خود آزادانه تعیین می‌کند، به عبارت دیگر، هر دولت باید «در مورد آیین لازم داخلی، برای دسته بندی شکایات تصمیم بگیرد» سند ۲۲۵۵۹ S/ بند ۲۲، ص ۷): همچنین، هر دولت در باره نحوه تقسیم و توزیع غرامت کلی که به آن دولت تخصیص داده شده است، تصمیم خواهد گرفت (بند ۲۸، ص ۱۰ همان سند). قراین زیادی وجود دارد مبني



براینکه اغلب دولتها به ایجاد کمیسیونهایی ملی که دارای صلاحیت شبه قضایی باشند،<sup>۵۳</sup> مبادرت کنند.

پس از اینکه دولتها ادعاهای خود را در کمیسیون مطرح کردند، چه اقدامهایی اتخاذ میشود؟ به عبارت دیگر، مراحل بعدی چگونه در کمیسیون طی میشود؟ دبیرکل در گزارش خود با اشاره به این موضوع که «کمیسیون یک دادگاه یا یک دیوان داور نیست که اطراف دعوی در مقابل آن حاضر شوند، بلکه یک ارگان سیاسی است» تکلیف و وضع را روشن میکند (سند قبلی، بند ۲۰، صفحات ۶ و ۷).

به عبارت دیگر، سیستمی که در نظر گرفته شده است با همه سیستمهای گذشته که نقش یک مرجع داور را ایفا میکرده است و ما در بالا به آنها اشاره کردیم، تفاوت دارد. در واقع، در اینجا یک ارگان سیاسی است که مأمور عملی ساختن مسؤلیت عراق به لحاظ خسارات جنگی است.

---

۵۳. رك.

Vienet (Gilles), Nationalisations etrangeres et intarets francais, office juridique francais et international, 1953.

این بدان معنی نیست که برای رعایت عینیت و بی طرفی و رسیدگی مطلوب به ادعاها و شکایات تضمینی وجود نخواهد داشت. شایسته است که ارگانهای مدیریت، یعنی هیأت مدیره و دبیرخانه را از ارگانهای فنی یعنی کمیسرهای مختلفی که معمولاً در قالب گروههای سه نفری شعب رسیدگی را تشکیل می دهند، تفکیک کرد.

وظایف ارگانهای مدیریت، بویژه دبیرخانه، سازمانی و اداری است، یعنی دریافت شکایات و بررسی مقدماتی اعتبار آنها؛ به عبارت دیگر، دبیرخانه نقش یک صافی (فیلتر) را ایفا می کند؛ یعنی عمدتاً به بررسی این موضوع می پردازد که ادعاها و شکایات، از نظر شکلی مطابق با شرایط پیش شده هیأت مدیره باشد. وظایف ارگانهای فنی، یعنی شعب کمی سرها، فنی است؛ یعنی بر آورد خسارات، تعیین مبلغ پرداختها و حل و فصل اختلافات احتمالی. معذک، کمی سرها در سطح وسیعی تابع هیأت مدیره خواهند بود؛ زیرا در آغاز، هیأت است که رهنمودهای مربوط به آیین بررسی و رسیدگی و قواعد لازم الاجرا درباره ادعاها و شکایات را تنظیم می کند، و در

پایان نیز هیأت است که در آخرین مرحله  
تصمیم خواهد گرفت.

اگر تصمیم اتخاذی در شعبه از نظر  
حقوقی، شکلی یا عملی مورد اعتراض واقع  
شود، اختلاف به هیأت کمیسرها ارجاع  
خواهد شد که باید براساس مقررات  
کمیسیون ملل متحد برای حقوق تجارت  
بین‌الملل (آنسیترال)  
رسیدگی کند. در اینجا نیز تصمیم نهایی  
را هیأت مدیره اتخاذ خواهد نمود.

بنابراین می‌توان گفت که يك «سیستم  
مختلط» تنظیم شده است که جنبه‌های حل و  
فصل سیاسی و جنبه‌های حل و فصل داور  
براساس حقوق بین‌الملل را با هم مخلوط  
کرده است. پاراگراف ۱۶ قطعنامه ۶۸۷  
مسئولیت عراق را بموجب حقوق بین‌الملل  
صراحتاً تأیید کرده است، لیکن ممکن است  
شگفت‌انگیز باشد که به حل و فصل مسأله  
ترمیم خسارات که براساس همین قواعد  
حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است، رنگی  
تا این اندازه سیاسی داده شده است. به  
نظر می‌رسد که بدین ترتیب سیستم پذیرفته  
شده، بین سیستم «جبران خسارتها» که بعد  
از جنگ اول جهانی به عهده آلمان محول

شده بود و سیستم «جبران خسارات» که در چارچوب آیینهای مختلف حل و فصل اختلافات ناشی از يك تخاصم یا يك وضعيت مخاصمه آمیز انجام می شود، قرار بگیرد. شاید این يك وسیله باشد که شوراي امنیت برای اعمال نظارت دقیق بر دوره بعد از جنگ به آن دست یازیده باشد؛ امری که این شورا نتوانسته بود به اندازه کافی در جریان جنگ انجام دهد.

#### ۴- مسائل حل نشده

بعضی از این مسائل لاینحل، مشخص شده و هیأت مدیره باید آنها را حل و فصل نماید. این مسائل عبارتند از انتخاب نحوه مشارکت مالی عراق، انتخاب درصد این مشارکت و آورده و تصمیم راجع به این که آیا مجمع کمیسیون را باید درگیر انجام تحقیقات موردی مهم نماید یا خیر؟ اما مسائل دیگری نیز مطرح می شوند:

بویژه، مسأله ظریف ارتباط و تلفیق بین این آیین بین المللی که هدف آن جبران و اعطای خسارات بموجب قواعد مسؤولیت بین المللی است و آیینهای مختلف

داخلي که مطرح مي گردد. دبیر کل در گزارش خود بدرستي متذکر مي شود که «کمیسیون نمی تواند صلاحیت انحصاري رسیدگی به شکایات و ادعاهای ناشی از تهاجم و اشغال نامشروع کویت را بوسیله عراق داشته باشد. به عبارت دیگر، امکان این موضوع کاملاً وجود دارد، و حتی محتمل است که بعضی از اصحاب دعوا شکایات خود علیه عراق را منفرداً در چارچوب سیستمهای حقوقی ملی خود مطرح کنند. امکان طرح دعاوی موازی در سطح بین المللی - در مقابل کمیسیون- و در سطح داخلی- در مقابل دادگاههای ملی- را نمیتوان دست کم گرفت» (سند ۲۲۵۵۹ S/ ص ۷ و ۸، پاراگراف ۲۲). بنابر این باید در تکاپو برای یافتن سیستمی بود که از چند بار جبران خسارات پرهیز شود. مسأله ای که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که آیا يك خسارت دیده که در کشور خود موافق به اخذ رأی علیه عراق شده است می تواند، بمنظور اجتناب از مانع مربوط به مسائل مصونیت اجرایی دولتها، پرداخت جبران خسارات را از صندوق مطالبه کند. به نظر می رسد که این

امكان در گزارش دبیر کل القا شده باشد، زیرا اعلام می‌دارد: «بهتر است (...)» در جستجو یافتن شیوه‌هایی برای تأمین بودجه صندوق بود که اجازه دهد تا از لزوم طرح دعاوی حقوقی در چند دادگاه و چند کشور ثالث شود» (سند ۲۲۵۵۹ / S ص ۵، پاراگراف ۱۵).

مسائل دیگری نیز لاینحل باقی مانده است: مسأله سلسله مراتب احتمالی بین ادعاها و شکایات، برحسب خسارت دیده - دبیر کل پیشنهاد کرده است که به ادعاهای افراد نسبت به ادعاهای دولتها یا شرکتهای اولویت داده شود -؛ مسأله مهلتی که ظرف آن دولتها باید ادعاهای دسته‌بندی شده خود را به کمیسیون تسلیم کنند - دبیر کل یک مهلت دو ساله را از تاریخی که هیأت مدیره رهنمودهای مربوط به طرز کار سیسم را تنظیم کرده باشد، پیشنهاد نموده است -، بالاخره، یکی از اساسی‌ترین مسائلی که به نظر می‌رسد، تعیین آن چیزی است که بموجب قطعنامه ۶۸۷ باید ترمیم شود؛ به عبارت دیگر، تعیین آنچه کمیسیون آن را «خسارت مستقیم» توصیف خواهد کرد. دبیر کل

پیشنهاد می‌کند که این وظیفه به هیأت مدیره محول شود که «رهنمودهای تفصیلی در مورد آنچه خسارت مستقیم محسوب می‌شود» از آن سؤال خواهد شد (سند ۲۲۵۵۹ S/، ص ۹، پاراگراف ۲۵). محتوای این رهنمود برای کار مؤثر و سریع سیستم از اهمیت بالایی برخوردار است و باید بر تحلیل دقیق سوابق رویه دآوری بین‌المللی مبتنی باشد.

یک مسأله دشوار دیگر که جنبه مادی بیشتری دارد و در عین حال با اهمیت است و باید حل شود، مربوط به تأمین بودجه مالی کل این سیستم یعنی کمیسیون مرکب از هیأت مدیره، دبیرخانه و کمیسرهای مختلف است. پیش‌بینی شده که صندوق جبران خسارت بودجه این سیستم را تأمین خواهد کرد، لیکن بدیهی است که این صندوق - و دبیر کل هم بدرستی آن را یادآوری کرده است - از نظر مالی فوراً تغذیه و تأمین نخواهد شد، زیرا ممکن است که «به احتمال زیاد عراق نتواند صدور نفت خود را به این زودی از سرگیرد». بنابر این یک مسأله مالی برای سازمان ملل متحد مطرح می‌شود، و آن به

جریان در آوردن سیستم سیاسی- حقوقی پرداخت غرامتهای است که عراق، بدنبال وقایع خلیج [فارس] از ۲ اوت ۱۹۹۰، بدهکار است.

### مبحث ۳

#### مسئولیت‌های تاریخی

مایل هشتم در نتیجه گیری از مطالبی که در باره مسئولیت بین‌المللی در بحران و «جنگ» [فارس] مطرح شد، بحث را اندکی گسترش داده و لااقل پرسش‌هایی را طرح کنم؛ و از آنجا که تاریخ، زمان است که سپری می‌شود، پاره ای از این پرسش‌ها مربوط به گذشته، بعضی مربوط به حال، بالاخره بعضی دیگر مربوط به آینده.

#### گفتار نخست

#### زمان گذشته: مسئولیتها در ایجاد بحران

#### الف - مسئولیت‌های دور

مسائل کنونی نباید مسئولیت‌های فرمانروایان انگلیسی یا دیگران را که در آغاز سده بیستم خطوط [مرزی] را



تعیین و بر روی نقشه ها ترسیم کرده اند به فراموشی سپارد ... من وارد این بحث نخواهم شد و فقط به اشاره این موضوع اکتفا می‌کنم که تحدید خود سرانۀ محدودۀ دسترسی عراق به دریا بی‌تردید در آغاز بحران و جنگ خلیج [فارس] مؤثر بوده است.

#### ب - مسؤولیتهای نزدیکتر

نخستین مسؤولیتهای که بر دوش بعضی از کشورها سنگینی می‌کند، این است که با تأمین و تحویل اسلحه و مهمات به عراق، به این کشور اجازه دادند تا به چنین عملی دست زند. اتحادیه اروپای باختری بر مسؤولیت سنگین مشترک غرب و کشورهای که در آن زمان شرق محسوب می‌شده، در قالب این جمله تأکید کرده است: «مسؤولیت تدارك و ایجاد يك زرادخانه نظامی قوی و خطرناك برای عراق، در جریان و بعد از جنگ با ایران، متوجه کشورهای زیادی در شرق و غرب است» (توصیه نامه شماره ۴۸۹ مورخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۰). و این مسؤولیت از زمانی که شورای امنیت، با توجه به نگرانی اش از

بحران و مسؤولیت در جنگ خلیج [فارس] ❖ ۳۱۳

تحولات جنگ ایران- عراق، از سایر دولتها می‌خواهد، تا «انجام هر عملی که بتواند خصومت مسلحانه را تشدید نکند خودداری نمایند» باز هم بیشتر می‌شود. (برای مثال، قطعنامه ۴۷۹ مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ بند وسوم؛ یا قطعنامه ۵۸۲ مورخ ۲۴ فوریه ۱۹۸۶، بند پنجم، ...).

دومین مسؤلیت جامعه بین‌المللی در این است که نسبت به موارد نقض حقوق بشر بوسیله صدام حسین و بویژه نسبت به موارد استفاده از گازهای شیمیایی علیه ایران یا علیه کردهای حلبچه (۱۹۸۸) زودتر واکنش نشان نداده است. همان طور که کمیسیون سیاسی اتحادیه اروپای باختری نیز تأکید کرده است، «جامعه بین‌المللی باید، برای این که حقوق بشر در سطح وسیعتری رعایت شود، موضع سخت‌تری در آینده اتخاذ کند... اگر سرکوبی‌ها و کاربرد گازهای شیمیایی علیه آنان، واکنش‌های شایسته را برانگیخته بود، صدام حسین نمی‌توانست

این بحران [یعنی اشغال کویت] را بوجود آورد.<sup>۵۴</sup>

بالاخره باید، در عین آرامش، سعی در بررسی مسؤولیتهای مربوط به ریشه فاجعه کردها و مسؤولیتهای جامعه بین‌المللی نمود که در ابزار واکنش تردید به خود راه داده است، حال آن که دخالت این جامعه، با توجه به وجود انعطاف در تفسیری که در تمام طول بحران، از منشور به عمل آمده، نه فقط مشروع بلکه از نظر حقوقی نیز موجه بوده است. زیرا، با توجه به نحوه تفسیر متون در آن وقت، به آسانی می‌شد اظهار داشت که فاجعه کردها تهدیدی علیه صلح بوده [و بنابر این] به نوبه خود، مداخله بشر دوستانه را ایجاب می‌کرده است؛ و حال که سخن از «رفتار و موضع دوگانه» [در مورد وقایع مشابه] شد، آیا نباید بحق از خود سؤال کرد که چرا وقتی يك سرزمین سرشار از نفت مورد حمله قرار گرفت، واکنش این چنین سریع و «موثر»، و وقتی يك ملت [یعنی کردها] سرکوب شد، واکنشی

---

۵۴. رك. گزارشی که آقای پی ار الی به نام کمیسیون سیاسی اتحادیه اروپای باختری ارائه کرده است.

تا این اندازه ملایم و کند به دنبال  
داشت؟

### گفتار دوم

زمان حاضر: مسؤلیت‌ها در به اجرا گذاشتن

واکنش‌های بین‌المللی

الف - مسؤلیت در به اجرا گذاشتن تحریم و  
محاصره

در اینجا فقط چند محور برای تأمل  
و پژوهش مطرح خواهد شد. اگر دولتها، با  
توجه به تحریمی که سازمان ملل متحد در  
چارچوب فصل هفتم مقرر نموده و محاصره‌ای  
که قطعنامه ۶۶۵ به آن افزوده است، کم  
یا بیش فراتر از آنچه که این سازمان  
اجازه داده اقدام کنند، مسائل مربوط به  
مسؤلیت چگونه مطرح می‌شود؟

به نظر می‌رسد که نخستین فرض، یعنی  
حالتی که طی آن دولتها بیشتر از تحریم  
و محاصره مجاز اقدام کرده باشند، پیش  
نیامده است. به عنوان مثال، ایالات  
متحده امریکا، ظاهراً، قبل از این  
بازرسی‌های عازم خلیج [فارس] یا  
کشتی‌هایی را که مبداء حرکت آنها خلیج

[فارس] بوده است آغاز کند، منتظر «چراع سبز» (صدور مجوز) سازمان ملل متحد بوده است و بنابر این - حتی اگر برای تسریع در پذیرش قطعنامه اقداماتی کرده باشد - لااقل ظاهراً، مراقب بوده که از قطعنامه ۶۶۵ پیش نگیرد.

فرض دوم، یعنی زمانی که دولت‌ها<sup>۵۵</sup> تحریم را رعایت نکرده باشند، شایسته توجه بیشتری است. بدین سان، مسؤولیت دولتها ممکن است به دو جهت (یا به لحاظ اعمال خودشان، زمانی که مستقیماً یا از طریق به عنوان مثال مؤسسات عمومی، در نقض تحریم شرکت کرده اند، یا به لحاظ اعمال شهروندانشان - اشخاص حقیقی یا حقوقی) و در دو حالت مطرح شود:

۱- وقتی که دولتها موارد نقض تحریم را نادیده گرفته اند و در این

---

۵۵. مسأله مسؤولیت افرادی که تحریم را نقض کرده اند به بحث ما در اینجا مربوط نمی شود، زیرا این موضوع مربوط به نظام های حقوقی داخلی و در آنجا مطرح می گردد. همه دولت ها مقرراتی را در این مورد به تصویب رسانده اند، که می بایست کمیته ضمانت اجراها را نیز از محتوای آنها مطلع کنند. همراه با این مقررات، ضمانت اجراهایی نیز برای موارد نقض و عدم رعایت تحریم پیش بینی شده است.

صورت تکلیف آنها مبني بر جلوگیری انجام نشده است؛

۲- یا زمانی که دولتها اتباع متخلف خود (در نقض تحریم) را مجازات نکرده اند و در آن صورت وظیفه آنها در سوکوبي (مجازات) نقض شده است. حال مسأله این است که چنین مسؤولیّتی چگونه باید به اجرا گذاشته شود؟ نسبت به چه شخصي؟ در مقابل کدام مرجع؟ این فرضها که در اینجا سریعاً و مختصراً به آنها پرداخته شد، مسائل دشوار مربوط به چگونگی اعمال مادي و عینی مسؤولیّت بین‌المللی را يك بار دیگر آشکار و ثابت می‌کند.

#### **ب - مسؤولیّتها در اعمال ضمانت اجراهاي نظامي**

اگر دولتها، با توجه به مجوز شوراي امنیت مبني بر استفاده صرف از نیروي مسلح، از این مجوز استفاده نمی‌کردند، هیچ مسأله‌اي در رابطه با مسؤولیّت آنان مطرح نمی‌شد.

بر عکس، هر گونه تجاوز احتمالی دولتها از آنچه به اشتباه

«مأموریت» و نمایندگی محوله از طرف سازمان ملل متحد نامیده شده است، مسأله مسؤولیت دولتهای مباشر [تجاوز از محدوده وظیفه و مأموریت] را مطرح می‌کند. از این دیدگاه، در صفحات قبل به بعضی بمباران‌ها در مرحله پایانی جنگ اشاره کردیم که به نظر می‌رسد ضرورت نظامی نداشته است. مسأله دیگری که در زمینه مسؤولیت مطرح می‌شود، استفاده – مجاز یا غیر مجاز از نظر حقوق بین‌الملل- از بمبهای دارای اثر وزشی است.<sup>۵۶</sup>

### گفتار سوم

زمان آینده: مسؤولیتها در تدارک و ایجاد جهانی

صلح جویانه‌تر و عادلانه‌تر

مسؤولیت جامعه و بویژه مسؤولیت شورای امنیت که بنابر فرض باید نمود این جامعه باشد، بسیار بزرگ است. ابتدا

---

۵۶. رك. اظهارات آقای فرانسوا میتران در تاریخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۹۱ در تونس «توجیه کامل این جنگ [جنگ خلیج فارس] این خواهد بود که همین روش و همین آیین را بتوان برای حل و فصل اختلافات اسرائیل – اعراب و لبنان نیز به کار برد».

باید به مسؤلیت مربوط به اجرای قطعنامه ۶۸۷ اشاره کرد: شایسته است که قبل هرچیز تحریم علیه عراق لغو شود؛ زیرا امروزه دیگر هیچ اساس حقوقی ندارد و به قول آقای ژان- پی ارکوت [دولتمرد فرانسوی]، به مسؤلیت جمعی ملت عراق شباهت پیدا کرده است. جای نگرانی است که آقای جرج بوش [رئیس جمهور وقت آمریکا] اعلام می‌دارد (۱۰ ژوئیه ۱۹۹۰) که تحریم، تا زمانی که صدام حسین بر سر قدرت باقی است، لغو نخواهد شد؛ در این صورت، حق مطلق و غیر قابل انتقال هر دولت و کشور که مقررات راجع به ترمیم خسارات و زیانها، آن طور که بعضی ها علاقمندند، بطور افراطی اعمال نشود؛ در این مورد نباید درسهایی تاریخ را، بویژه پس از جنگ اول جهانی، فراموش کرد؛ ترمیم خسارات و پرداخت غرامتهای سنگینی که به آلمان تحمیل شد، مطمئناً یکی از عوامل رشد نازیسم [و به قدرت رسیدن هیتلر] در این کشور بوده است.

بالاخره مسؤلیت در ایجاد و برقراری نظم نوین بین المللی - که نمیتوانم آن را چنین بنامم زیرا به نظر



من شامل هیچ گونه تازگی مثبتی نیست- مطرح می‌شود. در هر حال باید از بحران خلیج [فارس] که يك واقعه فاجعه آمیز است و صرفنظر از شیوه حقوقی که برای تحلیل آن به کار برده می‌شود، درس‌هایی گرفته شود. سه اندیشه در این خصوص مهم می‌نماید: بموجب اندیشه و نظر اول، شایسته است که در آینده، توسل به زور برای حفظ و استقرار حقوق با احتیاط [و مطالعه] زیاد صورت گیرد. تحولات اخیر (ژوئیه ۱۹۹۱) این نگرانی را تقویت می‌کند: از جمله وقتی می‌بینیم که برای مجبور کردن عراق به رعایت تکالیف و تعهدات بین‌المللی که به عهده دولت آن کشور گذاشته شده است (مثلاً افشای محلهای مراکز هسته‌ای)، مسأله تهدید مداخله مسلحانه به میان کشیده می‌شود. جنگ نباید به يك وسیله ممتاز- و اگر بتوانم بگویم به يك وسیله عادی و جاری - برای وادار کردن [دولتها] به رعایت حقوق تبدیل شود. این خود يك نوع پس روی شدید برای حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. بنابر نظر دوم، باید به پیشبرد مفهوم «تکلیف مداخله بشر دوستانه» ادامه

داد و به چارچوبی حقوقی نیز اندیشید که  
اجرای آن را در شرایط مطلوب درآینده  
میسر کند.

بنابر اندیشه سوم، اگر حفظ حقوق  
واقعاً يك اشتغال ذهن و جداً اساسی است،  
در آن صورت مسؤلیت سنگین اعمال آن در  
سرتاسر جهان و، بویژه، تلاش برای حل و  
فصل مسأله اسرائیل و فلسطین به عهده  
جامعه بین‌المللی خواهد بود.  
در این صورت است که خواهیم توانست  
از «نظم جدید بین‌المللی» سخن بگوییم.